



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۱۳

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۲ اوت ۲۰۰۹ - ۲۱ مرداد ۱۳۸۸

در اعتراض به حمله وحشیانه رژیم اسلامی به مردم کردستان

۲۸ مرداد را به روز اعتراض گسترده

علیه رژیم اسلامی تبدیل کنیم!



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## زندانی سیاسی

### و مسئله آزادی جامعه

در سالهای اخیر شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" وسیع تر بگوش میرسد. اینروزها مسئله زندانی سیاسی و جنایات وحشیانه علیه زندانیان همه جا مورد بحث است. مردم در ابعادی توده ای و بحق از بانایان زندانها و شکنجه گران و شکنجه گاهها منزعجند و این انزجار را با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بروز میدهند. همین انزجار عمومی و فاش شدن ابعاد و شناخت جنایات اخیر است که امثال کروبی را وادار کرده که "به خدا پناه ببرد!!" واقعیت اما اینست که این توحش اسلامی ادامه سه دهه تاریخ ممتد جنایت جمهوری اسلامی علیه مردم و مخالفین سیاسی است و کروبی ها و موسوی ها دقیقاً از آن مطلع اند و در آن شریک بوده اند. تفاوتی اگر هست اینست که امروز این قطار بسرعت بسوی دره می رود و مانند همیشه ناجیان آن به تقلا افتاده اند.

اولین سوال ساده اینست که چرا زندانی سیاسی هست؟ چرا باید با هر اعتراضی، با هر نقدی، با هر نوشته و اظهار نظری عده ای دستگیر شوند و کار ما این باشد که آنها را آزاد کنیم؟ چرا باید اعتراض صرفاً این باشد که زندانیان بدون در نظر گرفتن موازین حقوقی یا برخوردار از وکیل و دادگاه علنی "محاکمه" شده اند؟ تردیدی نیست که اسرا و مجرمین حقوقی دارند و در یک جامعه آزاد و حتی نسبتاً آزاد باید این حقوق بدوی تماماً رعایت شود. اما سوال اینست چرا هنوز مقوله ای بنام زندانی سیاسی داریم؟ چرا هنوز "جرم سیاسی" در جوامعی مانند ایران جزو مفروضات حکومتها است؟

صفحه ۲



شوراهای سرخ ها:  
ضرورت و نقشه عمل

صفحه ۵

گفتگو با آذر ماجدی



پس از سه دهه جنایت: "در کنار مردم"، "همراه ما مردم"

نقدی بر سیاستهای پوپولیستی "حزب کمونیست کارگری"

صفحه ۹

علی جوادی



صحنه های پیش رو (۱)

صفحه ۱۲

سعید مدانلو

## اطلاعیه اعلام موجودیت و آئین نامه

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم



گزارش یک برگ  
از جنایت بر علیه  
یک نیروی  
اپوزیسیون

صفحه ۱۸

علی ظاهری

قطب سرخ ها در مقابل قطب سبز  
و شیر و خورشیدی

مروری بر یک تجربه در خارج کشور

صفحه ۱۵

سیاوش دانشور

شیرین عبادی و جنایات رژیم  
اسلامی

صفحه ۲۰

علی جوادی

در صفحات دیگر؛ پخش پیام حزب در اسلام شهر، در مورد جامعه مدنی، انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است، خودسوزی در شهرداری مریوان، و ...

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## زندانی سیاسی

### و مسئله آزادی جامعه ...

زندانی سیاسی نه مقوله جدیدی است و نه ویژه حکومت اسلامی. تا به ایران برمیگردد همیشه داغ و درفش و شکنجه و اعدام و سربه نیست کردن وجود داشته است. در تاریخ ایران بجز مقاطع بسیار کوتاه، که مسئله قدرت سیاسی هنوز تعیین تکلیف نهایی نشده، همواره زندانها در کنار کاخ های سلطنتی و اسلامی ساخته شدند. همواره آزادیخواهان و مخالفین را با نام "تروریست" و "عامل خارجی" و "خیانت به وطن" کشته اند و در قبرستانهای بی نام و نشان دفن کرده اند. همواره تعدادی را در زندانها زیر انواع شکنجه قرار داده اند تا به قدرت شاه و آخوند و اختناق در آن مملکت "ایمان بیاورند!"

زندانی سیاسی بوده و هست چون اختناق حاکم است. زندانی سیاسی هست چون آزادی به مسلخ رفته است. زندانی سیاسی هست چون منافع سیاسی و اقتصادی اقلیتی مرتجع و بورژوا حکم میکند که اکثریتی عظیم گوش بفرمان باشند. زندانی سیاسی هست چون هویت انسانی شهروندان سلب شده و همه را "ملت" شاه و ناسیونالیسم و یا "امت" امام و اسلام کرده اند! زندانی سیاسی هست چون آزادی و حقوق فردی و اجتماعی معنا ندارد و قانون جامعه براساس ضدیت با آنها بنا شده است. زندانی سیاسی هست چون سرمایه داری در کشورهایی مانند ایران به اختناق باندازه کافی گسترده نیاز دارد تا بتواند کارگر را ارزان و خاموش نگهدارد، سازمانهای کمونیستی و کارگری را بکوبد و دخل و خرج سرمایه را تنظیم کند. زندانی سیاسی هست چون هنوز در کنار منافع و امتیازات سیاسی و اقتصادی طبقه بورژوا، فرهنگ منحط بی هویتی اجتماعی و "جانفدا بودن" این و آن مرتجع آدمکش شغل بدوش یا عمامه بسر

نمیگذرد این غیر ممکن است. هر نوع سرمایه داری، با هر رنگ پرچمی و با هر درجه از ترکیب ناسیونالیسم و مذهب و دموکراسی، به زندانی سیاسی و زندانبان و شکنجه گر و نیروی سرکوب نیاز دارد.

بازتولید میشود. بیش از یک قرن است که مردم تلاش کردند آزاد باشند و هر بار اختناق و استبداد و دیکتاتوری شاهی و اسلامی این تلاش را بخون کشیده است. بیش از یک قرن است که مردم تلاش میکنند آزاد شوند و هر بار کوهی از "تابو" ها و "خط قرمزها" در مقابلشان صف بسته اند و هر نوع از تخطی از آن با عواقب سنگین روبرو شده است. مادام که بنیادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نابرابری باقی است، اختناق و زندانی سیاسی مانند فیلم تکراری جبراً وجود خواهد داشت.

شعار "آزادی بیقید و شرط کلیه زندانبان سیاسی" در کنار شعار "آزادی بیقید و شرط سیاسی" اعم از آزادی بیان و نقد و اجتماع و اعتراض و تحزب و تشکل، از شعارهای قدیمی و برنامه ای کمونیستهای ایران است. هر زمان آزادی ویژه طبقه حاکم و اشراف و سرمایه داران و یا یک طبقه معین باشد، سهم دیگران اختناق و سرکوب و زندان و اطاعت است. آزادی نمیتواند ویژه "حلق" یا حتی طبقه انقلابی و گروهی ویژه باشد، آزادی امری است مربوط به انسانها و تک تک شهروندان. آزادی نمیتواند در جامعه ای خاکستری با حکومتی "ایدئولوژیک" متحقق شود چون قدرت و منافع حکومت مربوطه بناگزیگرایش به محدود کردن و سرکوب آزادی دارد. اگر میخواهیم زندانی سیاسی و جرم سیاسی به تاریخ ببینند، اگر میخواهیم زندانهای سیاسی را منحل کنیم و ادوات شکنجه و آلبوم شکنجه گران و زندانبانان و قربانیان آن را در همان اماکن بعنوان موزه دوران جهالت و دیکتاتوری و اختناق سرمایه داری در ایران ثبت کنیم، باید همراه با نفی زندانی سیاسی امر آزادی بیقید و شرط سیاسی را متحقق کرد. در جوامعی مانند ایران که سرمایه داری بدون اختناق سیاسی آموزش

در آستانه سرنگونی حکومت سلطنتی زندانبان سیاسی آزاد شدند و با سرنگونی حکومت اسلامی و شاید زودتر زندانبان سیاسی که هنوز زنده مانده اند آزاد خواهند شد. در آن زمان شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد برای دوره بسیار کوتاهی از اولویت جامعه کنار رفت و اینبار نباید چنین شود. امروز ابواب جمعی حکومت و از جمله مغضوبین سیاسی مانند رفسنجانی و موسوی وقتی از آزادی زندانبان سیاسی میگویند منظورشان اعضا حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و دوستان خودشان است. منظورشان نفی زندانی سیاسی و نفی جرم سیاسی و نفی زندانهای سیاسی نیست. منظورشان آزادی کسانی نیست که بزعم آنها "ضد انقلاب" و "ضد نظام" اند. کسی که میگوید جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر، دارد میگوید هر کسی که به اسلام و قانون اساسی و ولایت فقیه التزام ندارد مستوجب هر عاقبتی است. و تاکنون یک نفر اینها علیه جنایاتی که دسته جمعی به رهبری خمینی مرتکب شدند حرف زده است. هزاران هزار نفری که سلاخی و کشتار شدند و در تف آبادها و لعنت آبادها و خاورانها دفن شدند برای همه اینها "قتلهای مجاز" بوده است. مادرانی که حتی نمیدانند بعد از ۳۰ سال قبر فرزندانیشان کجاست از نظر اینها ظاهراً انسان محسوب نمیشوند و حقوق ندارند.

امروز که مسئله زندانی سیاسی به امری توده ای و دهها میلیونی تبدیل شده است، امروز که طراحان و برپا دارندگان ارگانهای سرکوبی مانند سپاه و بسیج و اطلاعات جمهوری اسلامی خود قربانی همین دستگاه های مخوف امنیتی شدند، امروز که حکومت اسلامی در قلمرو جنایت گوی سبقت را از جنایتکاران و حکومتهای دیکتاتوری دنیا ربوده است، باید شعار و سیاست و دورنمای جنبش آزادیخواهان برای نفی زندانی سیاسی روشن و بدون تفسیر باشد.

## زندانی سیاسی

### و مسئله آزادی جامعه ...

- کلیه زندانیان سیاسی- و نه فقط "خودبها"- باید بدون قید و شرط آزاد شوند. مقوله "جرم سیاسی" را باید به زیاله دان تاریخ ریخت و مطلقاً با هیچ نوع تفسیری آن را در قوانین نپذیرفت. جرم سیاسی نداریم.

- زندانهای سیاسی باید برچیده شوند. هر نوع شکنجه و آزار جسمی و روانی علیه مجرمین باید قانوناً ممنوع باشد و جرم جنائی محسوب شود. زندان ابد و مجازات اعدام باید در قوانین کشور لغو شود.

- سران و سردمداران و کارگزاران جنایت علیه مردم باید در دادگاههای منتخب و عادلانه و علنی بجرم جنایت علیه مردم و نه بجرم عقایدشان محاکمه شوند. مردم ایران و قربانیان سه دهه حکومت ترور و وحشت نیاز دارند حقایق را بدانند و از این دوران سیاه عبور کنند. مردم ایران نیازی به انتقام و تداوم چرخه خشونت و آموکشی و قصاص ندارند. ما مجازات اعدام و شکنجه و زندان ابد را لغو میکنیم اما قاتلین و جنایتکاران را نمی بخشیم. سیاست سازش با جنایتکاران که اپوزیسیون راست و از جمله سلطنت طلبان ساز آن را کوک کرده اند سیاست تداوم همین بساط است. هیچ جامعه شبه انسانی به جنایتکار مدال افتخار نمیدهد. جنایتکاران باید محاکمه شوند و اسرار و زوایای جنایت در سه دهه گذشته را روشن کنند. اما اعدام و انتقام سیاست جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری نیست. پایان دادن به تاریخ طولانی جنایت یک شرط مهم برپائی یک جامعه آزاد و خوشبخت و انسانی است.

- آزادی سیاسی قید و شرط ندارد

و ویژه "از ما بهتران" نیست. آزادی سیاسی جزو حقوق بدیهی شهروندان است و باید بدون قید و شرط باشد. هر کسی، از کمونیست و مارکسیست و لیبرال و ناسیونالیست تا سلطنت طلب و اسلامی و فاشیست و غیره حق دارد حرفش را بزند. حق دارد حزب درست کند و حق دارد بدون تعرض به مصونیت و امنیت دیگر شهروندان عقایدش را تبلیغ کند. اگر بحث برسر انتخاب جامعه است، این انتخاب اگر واقعی و آگاهانه باشد، تنها میتواند متکی به آزادی بیقید و شرط سیاسی و آزادی متشکل شدن در تمام سطوح باشد. هر کسی یکبار دنیا می آید و در این یکبار اگر نتواند حرفش را بزند و برای آن نیرو جلب کند چه وقت قرار است اینکار را بکند؟

- آزادی سیاسی و آزادی بیان و نقد بی قید و شرط به معنی حقوقی و قانونی آن هنوز پاسخگو نیست. حق و آزادی اگر نتواند به امری مادی و قابل تحقق تبدیل شود آزادی و حقی صوری و فرمال است. اینجاست که مسئله رسانه ها مهم میشود. رسانه ها نباید در انحصار دولت باشند بلکه باید شهروندان متشکل در نهادها و جریانات و احزاب بتوانند از طریق وسائل ارتباط جمعی موثر حرفشان را بگوش بقیه برسانند و هیچ دستگاه سانسور و ممیزی جلو دهان مردم را نتواند بگیرد. سانسور باید لغو شود.

- آزادی و برابری به معنی وسیع کلمه امری فردی و اجتماعی است. یعنی انسانها چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت جمعی باید آزاد باشند. در جوامع و سیستمهای فکری بورژوائی همواره یکی قربانی دیگری شده است. یا با حقوقی کلکتیو و محقر هر نوع آزادی فردی را زیر سوال بردند و یا زیر نام آزادی فردی لیبرالی که

بیانی از آزادی بورژوا در استعمار است، حقوق اجتماعی را شکمی لغو کرده اند. دامنه آزادی فردی و آزادی اجتماعی مادام که چهارچوب حقوق و آزادیهای مصرح یکسوی این معادله اجتماعی را زیر سوال نبرده اند معتبراند. تنها مرز در دامنه این آزادیها نقض آزادیها و حقوقی است که یک جامعه آزاد برای کلیه شهروندانش برسمیت شناخته است.

اینروزها که سوالات اساسی جامعه در متن تقابل با ارتجاع اسلامی بیش از پیش مطرح میشوند، باید به آینده این نبردها

**پیروزی و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، ثانیاً جریانات اپوزیسیون راست و ملی - اسلامی را ایزوله و حاشیه ای کرده و ثالثاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات و وظیفه حیاتی ما است.**

**وقتی کارگر از انقلاب صحبت میکند باید دقیقاً بداند که چه چیز میخواهد و چه چیز نميخواهد. ما خواهان انقلاب کارگری علیه کل سیستم سرمایه داری و کل قدرت طبقه سرمایه داری هستیم. ما خواهان انقلاب کمونیستی هستیم که جامعه موجود را از بنیاد دگرگون میکند!**

در اعتراض به حمله وحشیانه رژیم اسلامی به مردم کردستان

## ۲۸ مرداد را به روز اعتراض گسترده علیه رژیم اسلامی تبدیل کنیم!



شکل دادند.

۲۸ مرداد ۵۸ در عین حال نشان تاریخی از مبارزه و مقاومت مردم انقلابی و آزادیخواه در کردستان در مقابله با ارتجاع هار اسلامی در سه دهه پیش است. قهرمانیها، فداکاریها و تلاشهای مردم که به حق جامعه کردستان را به سنگر مقابله با رژیم اسلامی تبدیل کرد، روی دیگر این سکه است. گرامیداشت یاد جانبختگان و اعدامهای صحرایی و کشتار مردم نیز خصلی "کردستانی" ندارد بلکه گرامیداشت گوشه ای از تاریخی است که سرمایه داری هار اسلامی برای استقرارش به اعدام و سرکوب و خون ریختن متوسل شد.

### مردم آزادیخواه

بیش از سه دهه از روزی که رژیم اسلامی فرمان کشتار مردم کردستان را صادر کرد، میگذرد. امروز بار دیگر نخواستن ارتجاع اسلامی و حکومت ترور و تجاوز و شکنجه به خواستی میلیونی تبدیل شده است. ۲۸ مرداد ۸۸ را باید در متن این اوضاع و در همبستگی با کلیه جانبختگان و قربانیان ارتجاع اسلامی در سراسر ایران گرامی داشت. ۲۸ مرداد را باید مانند قتل عامهای زندان در شهریور ۶۷ و دیگر جنایات رژیم در سه دهه گذشته در سراسر ایران به روز اعتراض سراسری علیه رژیم آدمکشان اسلامی تبدیل کرد. باید هر روز جنایت در تاریخ رژیم اسلامی را به روز اعتراض علیه این جانین تبدیل کرد.

تاریخ رژیم اسلامی مملو از خون و جنایت و کشتار و قتل عام است. این رژیم صد و پنجاه هزار اعدام است. رژیم سنگسار و اختناق و ضدیت با زن و کارگر و آزادیخواهی و انسانیت است. یک روز بدون سرکوب قادر به بقاء نیست. یک ماشین تمام عیار کشتار و آدمکشی است. اما این ماشین جنایت کارایی خود را از دست داده است. با مردمی روبروست که برای سرنگونی اش به میدان آمده اند.

رژیم اسلامی از ابتدای استقرار حاکمیت سپاهش شمشیر خونین اسلام را علیه مردم به کار گرفت. کردستان یک جبهه نبرد انقلاب و ضد انقلاب اسلامی بود. سرکوب مردم در کردستان ادامه سرکوب و شلیک به کارگران بیکار در اصفهان، ادامه سرکوب ترکمن صحرا، و ادامه سرکوب کمونیستها و انقلابیون و مخالفین سیاسی در تهران و سراسر ایران بود. کردستان بعنوان سنگر انقلاب و دستاوردهای آن شناخته میشد و تعرض خونین به آن هدفی جز سرکوب انقلاب آزادیخواهانه سال ۵۷ توسط ضد انقلاب اسلامی که با حمایت دولتهای غربی به قدرت خزید نداشت. ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ یک روز خونین در این تاریخ سی ساله سپاه و اسلامی است. ۲۸ مرداد ۵۸ روزی است که رژیم اسلامی تنها پس از چند ماه که از استقرارش میگذشت فرمان حمله و لشکر کشی به کردستان را صادر کرد. اعلام کردند که تا پایان از میان برداشتن هر ذره آزادیخواهی، برابری طلبی، تحرک و موجودیت نیروهای انقلابی و کمونیست و مخالف رژیم اسلامی، "چکمه هایشان را از پا در نخواهند آورد". وحشیانه از آسمان و زمین بر سر مردم کوبیدند، بمباران کردند، کشتند و شرایط حاکمیت امروز خود را

خواهان استقرار نظامی متضمن آزادی، برابری، رفاه و عدالت اجتماعی و انسانی برای همگان هستید. چنین نظامی تنها میتواند یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی باشد.

شکلی که میتوانید به خیابانها بیایید، اعتراض کنید و فریاد بزنید که رژیم اسلامی باید گورش را گم کند. باید سرنگون شود. رژیم ضد زن باید نابود شود. اعلام کنید که رژیم ضد کارگر نمیخواهید، رژیم ضد آزادی و ضد برابری و ضد انسان، نمیخواهید. اعلام کنید که بر ویرانه های حکومت اسلامی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۲ اوت ۲۰۰۹ - ۲۱ مرداد ۱۳۸۸

- برای رد اعتبار نامه رژیم اسلامی در مجامع بین المللی،

- برای منجمد کردن حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی،

- برای محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران

دادخواست زیر را امضا کنید!

<http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html>

# کارگران!

## علیه سرمایه داری بپاخیزید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از همه شما کارگران، از همه شما مردم آزادیخواه، از همه شما زنان و جوانان برابری طلب میخواهد که این روز را به صحنه دیگری در جدال برای سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنید. در هر کجا و به هر



میشود. راست در عمل حاکمیت خود را بر صف سرنگونی طلب تحمیل میکند. کمونیسم کارگری باید بکوشد صف چپ و کمونیست ها را متحد و متشکل کند. این مساله، بویژه در این اوضاع که متأسفانه جنبش کمونیسم کارگری دچار پراکندگی و تشتت است اهمیتی صدچندان دارد. باید راهی یافت تا تمام عناصر چپ، تمام کسانی که خواهان یک جامعه آزاد و برابر و رفاه عمومی برای مردم هستند را در یک صف و به زیر یک پرچم متحد کنیم. این یک رمز پیروزی کمونیسم و طبقه کارگر است. رهبری کمونیستی بر انقلاب آتی از این طریق تضمین و تسهیل میشود.

به این منظور حزب اتحاد کمونیسم کارگری ابتدا ضرورت برافراشتن پرچم سرخ در تظاهرات و اجتماعات اعتراضی را طرح کرد و این امر را برای تفکیک صف چپ و سوسیالیسم از جنبش اصلاح طلبی دولتی که با پرچم سبز تداعی میشود و جنبش ناسیونالیسم پرو غرب که با پرچم سه رنگ معرفی میشود، حیاتی دانست. خوشبختانه موفق شدیم که در چند شهر و در برخی تظاهرات این امر را به پیش ببریم. پرچم های سرخ یک رنگ و بوی دیگری به برخی اجتماعات داد و نور امیدی را در دل های کمونیست ها و آزادیخواهانی که با دیدن پرچم های سبز و سه رنگ به خشم آمده بودند، بخشید. گسترش و تقویت این سیاست هنوز در دستور کار ما است و از تمام کمونیست ها و انسان های آزادیخواه و برابری طلب می خواهیم که به این صف بپیوندند.

خودبخودی به این صورت است که مردمی که به مبارزه سیاسی و اعتراض سیاسی روی آور میشوند به سنت های سیاسی موجود جذب میشوند و هر سنت و جنبشی که از امکانات رسانه ای و سنت دیرپای تری برخوردار است بیشترین اقبال را در این اوضاع خواهد داشت. مردم بطور خودبخودی به این جنبش ها و سنت ها جلب میشوند و آنها را بعنوان ظرف مبارزاتی خود تعریف میکنند. حتی اگر کاملاً این جنبش ها با امیال آنها خوانایی نداشته باشد.

یک فاکتور دیگری که در چنین شرایطی رشد میکند، وحدت طلبی غیرطبقاتی-غیرآرمانی میان مردم است. تمایل خودبخودی که بخصوص توسط جنبش راست تقویت میشود، وحدت همگانی و "همه با هم" علیه "دشمن مشترک" است. ما این مساله را در مبارزات ضد دیکتاتوری سلطنتی سال های 57-1356 مشاهده کردیم و اکنون نیز مشاهده میکنیم. در آن مقطع گفته میشد: "شاه برود، همه چی درست میشود." این حکم حتی در شعار راست و عوامفریبانه "بحث بعد از مرگ شاه" تبلور پیدا میکرد. در ابتدای خیزش اخیر گفته میشد اگر علیه احمدی نژاد همه متحد شویم، جمهوری اسلامی را هم بعداً میتوانیم بیاندازیم. این خط رهبری جنبش سبز بود که وسیعاً در میان ایرانیان خارج کشور تبلیغ میشد و به خط حاکم بدل شده بود. اکنون این خط دارد تضعیف میشود و مساله سرنگونی رژیم اسلامی دست بالا پیدا میکند. اما باز جریاناتی هستند، حتی درون جنبش چپ، که میگویند باید همه سرنگونی طلبان صف یکی باشد. این همان ایده عامیانه "همه با هم" سال 57 است که توسط خمینی طرح میشد.

اشکال اساسی چنین سیاستی اینست که تشکیل صف متحد همه سرنگونی طلبان نفع جریان راست درون این صف تمام

## شوراهای سرخ ها:

### ضرورت و نقشه عمل

#### گفتگو با آذر ماجدی

**یک دنیای بهتر:** حزب بمنظور سازماندهی توده ای طیف سوسیالیست و "چپ" در خارج کشور، سیاست ایجاد شوراهای سرخ ها را در دستور قرار داده است. ضرورت های پایه ای این قطعنامه حزب کدام است؟

**آذر ماجدی:** در شرایط اعتلای سیاسی، امر تشکل به یکی از مهمترین مسائل یک حزب کمونیستی بدل میشود. تلاش برای جلب و جذب نیروی هر چه وسیع تری به حزب قطعاً یکی از اولویت های دائمی حزب است و در چنین شرایطی که مردم به شکلی گسترده به فعالیت سیاسی روی آور میشوند، اهمیت آن صدچندان میشود. اما تشکل حزبی تنها نوع تشکل نیست و نمیتواند باشد. بسیاری از کارگران و مردم علی العموم، علیرغم توجه عمومی به احزاب سیاسی و حتی انتخاب یک حزب معین بعنوان حزبی که آنها را به آرمان خود نزدیک تر میدانند، لزوماً خواهان عضویت در آن حزب نیستند. اما تشکلات توده ای متفاوت هستند.

منظور از تشکلات توده ای در اینجا، هم تشکلاتی است که از حقوق اقتصادی افسار مختلف دفاع میکند، هم تشکلاتی که برخاسته از جنبش های اجتماعی هستند. بطور نمونه درون جنبش کارگری، اتحادیه های کارگری یا شوراهای کارگری حکم تشکلات توده ای طبقه کارگر را دارند. ما بعنوان یک حزب کمونیستی هم زمان تلاش میکنیم که کارگران هم درون تشکلات توده ای شان وسیعاً متشکل شوند و هم میکوشیم آنها را به حزب جذب کنیم. پیروزی طبقه کارگر به وجود و قدرت هر دو نوع تشکل نیازمند است.

مثال دیگری میزنم. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مدافع سرسخت آزادی کامل و برابری واقعی زنان در جامعه است. آزادی و برابری زن یک بند مهم برنامه ما و یکی از اهداف مهم حزب ما است. ما بعنوان کمونیست کارگری معتقدیم که رهایی کامل زن در یک جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است. در عین حال یک لیست از مطالبات زنان را در برنامه خود تدوین کرده ایم و برای به کرسی نشاندن آنها مبارزه میکنیم. بنابراین ممکن است این نظر وجود داشته باشد که هر مدافع برابری زن و مرد باید جذب حزب شود و به عضویت آن درآید. این حکم هم درست است، هم غلط. درست است، به این معنا که بنا به تعریف عضو حزب اتحاد کمونیسم کارگری دارد به پیگیر ترین شکلی برای آزادی زن مبارزه میکند. غلط است، به این معنا که تمام مدافعین آزادی زن جلب مبارزه حزبی نمیشوند و ایجاد چنین توقع و انتظاری نیز بیجا است. لذا ما بعنوان کمونیست های کارگری، در عین حالیکه همه مدافعین برابری زن و مرد را به عضویت در حزب و مبارزه برای تحقق برنامه "یک دنیای بهتر" دعوت میکنیم، میکوشیم برای تسهیل مبارزه برای آزادی زن و کسب حقوق برابر برای زنان و گسترش امر آزادی زن تشکلی را بوجود آوریم که امرش آزادی زن است و بطور ویژه ای مدافعین برابری زن و مرد را به عضویت خود در میاورد.

ما اکنون در یک شرایط اعتلای سیاسی در جامعه ایران هستیم. خیزش عظیم مردم در ایران نه تنها ایرانیان مقیم خارج، بلکه کل دنیا را به حرکت در آورده است. این شرایط تشکل خود را طلب میکند. در شرایط اعتلای سیاسی روی آوری به احزاب سیاسی افزایش پیدا میکند، اما احزاب تنها شکل تشکل نیستند و نمیتوانند باشند. در چنین شرایطی، روند عمومی و

## شوراهای سرخ ها:

### ضرورت و نقشه عمل ...

در این راستا حزب به فکر متشکل کردن این صف در یک تشکل عمومی افتاد. تشکلی که بتواند تمام عناصر و افراد چپ، سوسیالیست، کمونیست و آزادیخواه را درون خود جمع کند. تشکلی که هر فردی که خود را با اهداف و امیال جنبش اصلاح طلبی دولتی و ناسیونالیسم پرو غرب بیگانه می بیند، جای خود را در آن بیابد. باید توجه داشت که هر زن آزاده ای که خواهان آزادی کامل و برابری واقعی زن و مرد است، جایش در این صف است. هر انسان سکولاری که خواهان خلاصی جامعه از تمام قید و بند های فرهنگی و اخلاقی ملی - اسلامی و شرق زده است، جایش در این صف است. هر انسانی که می خواهد یک جامعه مرفه برای تمام مردم ایجاد شود، جامعه ای که همه مردم در آن از سطح بالایی از رفاه برخوردار اند، از بیمه و درمان و آموزش و پرورش رایگان تا مسکن مناسب، جایش در این صف است.

شورا های سرخ ها آن ظرف مناسب برای تشکل این صف است. شورا تشکلی است که بنا به تعریف یک نوع دموکراسی مستقیم را تأمین و تضمین میکند. شورا بر مبنای مجمع عمومی اعضایش کار میکند. بنابراین تمام اعضا در تصمیم گیری ها و چگونگی راه بردن تشکیلات و اجرای تصمیمات دخیل خواهند بود. بعلاوه شورا سنتا و تاریخا، نه فقط در جنبش بین المللی بلکه در جامعه ایران نیز با چپ و سوسیالیسم تداعی میشود. نام شورا خود بیانگر خط عمومی سیاسی این تشکل است. سرخ نیز با چپ و کمونیسم تداعی میشود. همه در دنیا میدانند که در عالم سیاست سرخ یعنی چپ و کمونیسم. در تمام جنبش های انقلابی در طول تاریخ کمونیست ها خود را با پرچم سرخ معرفی

کرده اند. علاوه بر این سنت تاریخی، در شرایط کنونی ایران یک میرمیت تاکتیکی نیز رنگ سرخ را ضروری میکند. در خیزش اخیر، رنگ ها معرفه جنبش های معین و افق های معین سیاسی - اجتماعی شده اند. لذا تفکیک سمبلیک از طریق پرچم و رنگ نقش مهمی ایفاء میکند. رنگ سرخ باید در مقابل سبز و سه رنگ به اهتزاز درآید. سرخ در متن مبارزات مردم در ایران افق معینی را نمایندگی میکند. افق آزادیخواهی و برابری طلبی، افق سوسیالیستی، افق کمونیسم کارگری.

بعلاوه، این نام برای جوانان بسیار جاذبه خواهد داشت. روحیه جوانان، بویژه در شرایط انقلابی، با این نوع تشکل و این نام خوانایی بالایی دارد. همانگونه که جوانان چپ به عکس و پوستر چه گوارا تمایل وافر دارند، شورای سرخ ها نیز آنها را جلب میکند و سنت گریزی آنها را ارضاء میکند. در دهه 80 میلادی فیلم "سرخ ها" به کارگردانی و بازیگری وارن بیتی، که بر مبنای کتاب "ده روزی که دنیا را تکان داد" ساخته شده بود، حتی در غرب و هالیوود نیز بسیار محبوب شد.

**یک دنیای بهتر:** یک سنت قوی چپ سنتی در خارج کشور همواره تاکید بر "کار دموکراتیک" بوده است. اکنون هم در برخی موارد ما شاهد پیشروی چنین سنتی هستیم. آیا تاکید بر ایجاد شوراهای سرخ ها که از یک آلترناتیو سوسیالیستی در فردای سرنگونی رژیم اسلامی دفاع میکند، سیاستی عملی است؟

**آذر ماجدی:** ابتدا اجازه دهید که این "کار دموکراتیک" را کمی باز کنیم. زیرا این اسم که در میان جنبش چپ متداول است، به روشنی محتوای اینگونه فعالیت ها را

توضیح نمیدهد. نام گمراه کننده است. در جنبش چپ و پوپولیستی دو نوع فعالیت تعریف میشود: فعالیت سوسیالیستی و فعالیت دموکراتیک. اولی اشاره به فعالیت درون یک حزب یا سازمان کمونیست داشت. دومی به سازمان هایی که هدف کمونیستی نداشتند و یا برای یک امر معین تشکیل میشدند. اغلب این سازمان ها توسط کادرهای کمونیست برای جلب توده وسیع ایجاد میشدند. تا اینجا اشکالی نیست.

اما مساله اینجا بود که 1- این کادرهای کمونیست زمانی که در این تشکلات باصطلاح دموکراتیک فعالیت میکردند، کمونیست بودن خود را فراموش و انکار میکردند. بقول خودشان بعنوان یک دموکرات ظاهر میشدند. خود این مسائل بسیاری میافزاید. 2- این تشکلات حتی در دفاع از خواست معین شان نیز رادیکالیسم را تقلیل میدادند. بطور مثال اگر بعنوان یک کمونیست معتقد بودند که آزادی و برابری کامل زن در سوسیالیسم امکان پذیر است، زمانی که "کلاه دموکراتیک" بر سر میگذاشتند، این حقیقت را اعلام نمیکردند. در سال های 60-1357 سازمان های دموکراتیک مثل قارچ از زمین رویندند. این سازمان ها در عمل بجای آنکه تسهیل کننده مبارزات باشند، خود به یک مانع بدل شده بودند. این سازمان ها بجای جلب و جذب افراد غیر کمونیست به مبارزه انقلابی و رادیکال عملا کمونیست ها را به افراد "دموکرات" تقلیل میدادند. تجربه شخصی خود من در سازمان های زنان بر این واقعیت دلالت دارد. جنبش مارکسیسم انقلابی در همان زمان این سبک فعالیت را قاطعانه نقد کرد. این یک بروز سبک کار پوپولیستی در جنبش چپ بود.

کمونیسم کارگری بر ایجاد تشکلات توده ای، بویژه درون طبقه کارگر همیشه تاکید بسیار

داشته است. تلاش برای سازماندهی پناهنجویان و پناهندگان ایرانی در خارج کشور درون یک تشکل توده ای رادیکال و چپ که در اساسنامه اش دفاع از سوسیالیسم طرح شده است، یکی از پروژه های بسیار مهم و معروف کمونیسم کارگری است که طرح آن توسط منصور حکمت داده شد. تلاش برای شکل دهی به یک تشکل که از امر آزادی زن دفاع میکند، بدون اینکه کمونیست بودن خود را منکر و مخفی کند، یک امر مهم دیگر کمونیسم کارگری بوده است. لذا کمونیسم کارگری با تجربه ایجاد تشکلات توده ای رادیکال برای سازماندهی مردم حول یک امر معین و برای پیشبرد مبارزات رادیکال و انقلابی کاملا آشنا است.

ما اکنون بیست سال است که از ایجاد تشکلات توده ای رادیکال برای تشکل هر چه گسترده تر بخش های مختلف مردم دفاع کرده ایم. بدون چنین تشکلاتی مردم به صورت یک توده بی شکل خواهند بود و به حکم اجبار سیاسی - اجتماعی، تحت هژمونی جریان راست و ارتجاعی. طرح شوراهای سرخ ها بر متن و در ادامه همان سنت کمونیسم کارگری تدوین شده است. بنظر من کاملا عملی است. باید برای جا انداختن آن و پیشبرد آن کوشید. "اثبات شیربرنج در خوردن آن است." باید آستین ها را بالا زد و آن ها را تشکیل داد. ما این طرح را اکنون برای خارج کشور طرح کرده ایم، من معتقدم که این طرح در ایران از اقبال بیشتری، بویژه در میان جوانان، برخوردار خواهد شد. این طرح را در خارج آغاز میکنیم ولی به خارج اکتفاء نخواهیم کرد. در ایران نیز برای بسط آنها خواهیم کوشید.

**یک دنیای بهتر:** تفاوت این سیاست حزب با کمیته های ائتلافی متشکل از گروه های چپ و کمونیست در خارج کشور چیست؟ چرا این سیاست؟ سیاست شما در قبال این کمیته ها و تشکلات در حال حاضر چیست؟

## شوراهای سرخ ها:

### ضرورت و نقشه عمل ...

روشن باشیم که این یک تشکل چپ و مدافع سوسیالیسم است و نه یک تشکل دموکراتیک. در عین حال یک تشکل باز است که شورایی و بر مبنای مجمع عمومی رهبری و اداره میشود. دموکراسی مستقیم یک کلید محبوبیت این شورا خواهد بود. بر یک مساله دیگر نیز باید تاکید داشت، این یک کمیته ائتلافی گروه های چپ نیست. تشکلی متشکل از افراد و عناصر است که بر مبنای طرح اولیه شورا آن را اداره میکنند و فعالیت های آن را پیش میبرند.

**یک دنیای بهتر:** آینده چنین سیاستی را چگونه می بینید؟ چه تلاشی برای جلب نیروهای کمونیست و چپ برای در دستور قرار دادن این سیاست مد نظر شماست؟

**آذر ماجدی:** من آینده آن را بسیار مثبت میدانم. بنظر من یک ایده بسیار جالب و جلب کننده است. هم طرح و هم اسم آن با روحیه شرایط انقلابی و رادیکالیسم نسل جوان خوانایی دارد. نیاز به تشکل خود مردم را

آذر ماجدی: بین شوراهای سرخ ها و کمیته های ائتلافی مزبور یک اختلاف ماهوی وجود دارد. اولی یک تشکل توده ای است، دومی تشکلی متشکل از گروه ها یا احزاب مختلف. شوراهای سرخ ها هدفش ائتلاف میان گروه های چپ نیست، ظرفی است برای متشکل کردن افراد و عناصر چپ، کمونیست و آزادیخواه. تشکلی است که اعضای تشکیل دهنده اش آن را اداره خواهند کرد.

ما باید ابتدا بکشیم که طرح ایجاد شوراهای سرخ ها را وسیعا در سطح جامعه طرح و تبلیغ کنیم. در مناطقی که خودمان حضور داریم برای ساختن آنها بکشیم. تلاش کنیم کمونیست ها و انسان های چپی را که به اینگونه فعالیت ها علاقمند هستند، دعوت به همکاری کنیم. در اول کار عده حتی معدودی میتوانند یک شورای سرخ ها را در یک شهر تشکیل دهند و در حین فعالیت افراد علاقمند را به پیوستن به شورا فرا بخوانند. حضور فعال شورای سرخ ها در اعتراضات، نقش رادیکال این شورا و طرح شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه توسط آن سریعا افراد بسیاری را به آن جلب خواهد کرد. لذا در ابتدا اصلا نباید نگران تعداد اعضا بود. سیاست باز این شورا برای جلب اعضای جدید بنظر من سریعا انسان های بسیاری را متوجه آن خواهد کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برنامه ای برای ائتلاف با کلیه سازمان های چپ ندارد. ما خواهان تقویت صف چپ و سوسیالیسم در مبارزات جاری هستیم و به این منظور برافراشتن پرچم سرخ را مطرح کردیم و برای آن کوشیدیم. اما ائتلاف سازمانی هدف ما نیست. از نظر ما ائتلاف در میان جنبش کمونیسم کارگری برای ما کاملا مقدور و مطلوب است، اما ائتلاف با جریانات درون جنبش های ملی - اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب کاملا خارج از دستور است.

**یک دنیای بهتر:** مساله اجرا و نقشه عمل ایجاد شوراهای سرخ ها یک حلقه اساسی در پیشبرد آن است. برای شروع چه باید کرد؟ چه طرحها و نقشه عمل هایی را شما مد نظر دارید؟ تاکیدات کدام است؟ از چه باید برحذر بود؟

**آذر ماجدی:** این یک واقعیت اساسی در مورد هر طرحی است. بعضا طرح های رادیکال با ناپاوری روبرو میشود. معمولا بطور خودبخودی انسان به داده های سنت های موجود تمایل پیدا میکند. فرضا، بویژه اکنون که جنبش کمونیسم کارگری از پراکندگی درون صوفش در رنج

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و وسیعا تکثیر و توزیع کنید!

## یک دنیای بهتر

برنامه طبقه کارگر برای آزادی جامعه است!

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!

کمکهای دریافتی: کرانه 1000 کرون، مهدی 500 کرون

## منشور

# آزادی، برابری و رفاه

مصوب دفتر سیاسی حزب

### آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

### برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

### رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

# زنده باد شوراها

مصوب دفتر سیاسی حزب

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخساز قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کارترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم و مستمر توده های مردم است و باید جایگزین قدرت ارتجاع اسلامی شود.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراهای خود را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میاورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

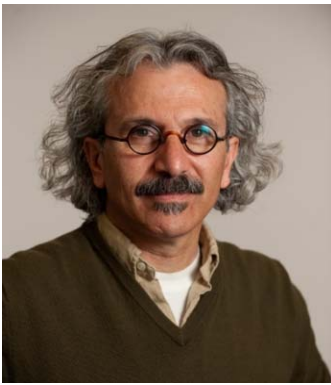
۵- شوراهای محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹





علی جوادی

## پس از سه دهه جنایت: "در کنار مردم"، "همراه ما مردم"

### نقدی بر سیاستهای پوپولیستی "حزب کمونیست کارگری"

چرخش به راست و دوری از مواضع پایه ای کمونیسم کارگری و منصور حکمت یک نتیجه و بازتاب تغییر و تحولات اجتماعی و محصول عملکرد سیاسی گرایشات پوپولیستی و توده ایستی حاکم بر "حزب کمونیست کارگری" و "حزب حکمتیست" است. یک شبه خواب نما نشده اند. مدتی است که در مسیری پا گذاشته اند که نتیجه ای جز مواضع کنونی نمیتوانست داشته باشد. خیزش عظیم توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی به این سیر تغییر و تحولات شتاب فزاینده ای داده است بطوریکه شناخت برخی از مواضع کنونی این احزاب از مواضع پایه ای کمونیسم کارگری در قبال حاکمیت اسلامی و مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم امری غیر ممکن شده است. این یادداشت نقدی به مواضع اخیر "حزب کمونیست کارگری" در قبال اصلاح طلبان حکومتی و نگرش پوپولیستی حاکم بر این نقطه نظرات است.

### "در کنار مردم"، "همراه ما مردم"

هیچ استدلالی به اندازه کلام صریح و روشن رهبری این جریان نشاندهنده عمق این مواضع پوپولیستی و راست آنها نیست. حمید تقوایی در برنامه "گفتار روز حمید تقوایی، سه شنبه ۱۳ مرداد" تحت عنوان "جنگ جناحها و جنگ مردم" میگوید: "جناح موسوی، جناح به اصطلاح مغضوب، جناح مغلوب تا جائیکه دارد علیه احمدی نژاد و خامنه ای می جنگد در کنار مردم است." (دقیقه ۲۱:۴۵) این مواضع ناشی از یک اشتباه لفظی در یک بیان شفاهی نیست. ناشی از لغزش زبان و یا لکننت فکری در یک برنامه زنده تلویزیونی نیست.

خود از "مبارزات" این جناح از حاکمیت سیاه اسلامی، البته بشرط آنکه و مسلما "تا جائیکه علیه خامنه ای و احمدی نژاد باشد"، تبدیل خواهد شد. همانطور که اکنون یکی از اعضای دفتر سیاسی این حزب قادر به کشف جریان "سبز انقلابی" شده و از نقد "رادیکال" خاتمی به وجد آمده است!؟

اتخاذ چنین موضعی عملا منجر به باز گذاشتن دست جناح اصلاح طلب حکومتی در مهار و کنترل مبارزات مردم آزادیخواه و برابری طلب و قرار دادن آن در چهارچوب دعوای جناحی و مقابله با جناح دیگر رژیم اسلامی است. این سیاست در شرایطی که اوج گیری مبارزات مردم عملا امکان سازش و بند و بست میان جناحهای رژیم اسلامی را کور کرده است، در شرایطی که جناح راست حاکم در تقلا و ارتجاعی خود مبنی بر حفظ رژیم اسلامی کمر به حذف جناح اصلاح طلب خود بسته است، در شرایطی که جناح اصلاح طلب حاکم میداند که بقاء خود و تدوام نظام مطلوبش در این شرایط در گرو مقابله با جناح راست است، عملا بیشترین کمک به این جناح در جدال جناحی و در تلاش ارتجاعی برای قالب زدن به مبارزات توده های مردم سرنگونی طلب است. این نگرش دارای شباهتهای مهمی با نگرش جریانات اصلاح طلب و توده ایستی در قبال دعوای و کشمکشهای جناحی است. تنها تفاوت در این است که دفاع شان از "مبارزات این جناح" مشروط و تا زمانی است که این جناح علیه "خامنه ای و احمدی نژاد" می جنگند.

این مواضع در تقابل کامل با

سیاست بیان شده توسط یک کادر کم تجربه این حزب نیست که میتواند درک یا فورمولبندی نادرستی از مواضع رسمی حزب ارائه دهد. خیر، یک سیاست رسمی است که از زبان بالاترین مرجع سیاسی این حزب، یعنی لیدر حزبی، بیان شده است. نگرش سیاسی ای است که بروزات متعدد آن را در عرصه های متفاوت شاهدیم. بی دلیل نیست که ایشان چند دقیقه بعد در همان گفتار بار دیگر تاکید میکند که "تا جائیکه اینها می آیند و علیه خامنه ای، علیه احمدی نژاد، یا علیه دادگاههای فرمایشی، یا تنفیذ، یا تحلیف و غیره صحبت میکنند، ما میگوئیم دارید همراه ما مردم حرکت میکنید" (دقیقه ۲۴:۴۰)

برای ما اتخاذ این مواضع تعجب آور نیست. عمیقا تاسف آور است. ما تمامی اجزاء این نگرش فکری پوپولیستی را میشناسیم، بر علیه آن جنگیده ایم. به نکات متعددی در این چهارچوب باید اشاره کرد.

۱- این یک سیستم فکری عمیقا پوپولیستی است. مبنای نگرش این جریان در برخورد به کشمکشهای جاری در جامعه نه تاکید بر تقابل جنبشهای اجتماعی و جدال جاری طبقاتی بلکه تقابل "مردم و ارتجاع" و یا به بیان قدیمی تر پوپولیستی "تقابل خلق و ضد خلق" است. در این سیاست طبقات اجتماعی، جنبشهای اجتماعی در یک ظرف واحد قرار داده شده و در هم مستحیل میشوند. تخصم اهداف و منافع متفاوت اجتماعی و طبقاتی تماما به کناری گذاشته میشود. بخشهایی از طبقه حاکم و حتی بخشهایی از خود رژیم سیاسی حاکم، که در برپایی بزرگترین قتل عامهای تاریخ کنونی ایران شریک و سهیم بوده اند، در کنار طبقه کارگر و در "صف مردم" و ملقب به "همراهی با مردم" میشوند. این سیاست بدون تردید در یک قدم آنطرف تر به اعلام حمایت صریح

مواضع رسمی حزب کمونیست کارگری در دوران منصور حکمت است. یک نگاه اجمالی به بیانیه دفتر سیاسی حزب در آن دوران عمق ضدیت این سیاستهای پوپولیستی را با مواضع کمونیسم منصور حکمت در قبال این جناح رژیم اسلامی نشان میدهد. "یک فصل مشترک همه شاخه های اپوزیسیون طرفدار رژیم در تقسیم رژیم اسلامی به جناحهای "مترقی و ارتجاعی"، "مردمی و ضد مردمی" و غیره است." (منصور حکمت، قطعنامه دفتر سیاسی در باره "انتخاب خاتمی و عروج مجدد "اپوزیسیون طرفدار رژیم") و این عین سیاستی است که اکنون به مبنای ارزیابی رهبری "حزب کمونیست کارگری" از جناح اصلاح طلب حکومتی تبدیل شده است.

۲- تاثیرات مخرب این سیاستها و نگرش پوپولیستی فقط به اتخاذ سیاستهای راست در قبال یک جناح از حاکمیت اسلامی محدود نمیشود. سیاستهای ناشی از این نگرش در قبال جنبش ناسیونالیسم پرو غربی به همان اندازه مخرب و راست است. جنبش ناسیونالیسم پرو غربی یک جنبش تماما ارتجاعی و دست راستی است. هدفش در مقابله با رژیم اسلامی ایجاد یک نظام تا مغز استخوان ضد کارگر و استثمارگر و تماما پرو غربی و مبتنی بر هویت ناسیونالیستی است. این جنبش اساسا یک اردوی سرنگونی طلب در جامعه است. خواهان کنار زدن رژیم اسلامی و ایجاد نظامی است که از موضع قدرت و برتر بتواند تلاش طبقه کارگر و کمونیسم و مردم آزادیخواه و برابری طلب را در هم بکوبد. صفحه ۱۰

## پس از سه دهه جنایت:

### "در کنار مردم"، "همراه ما مردم" ...

قادر شود بدون دغدغه به انباشت سود و سرمایه بپردازد و موانع حرکت کاپیتالیسم را از سر راه بردارد. هیچ رکن مترقی و آزادیخواهی در سیاستهای این جنبش وجود ندارد. یک نتیجه حاکمیت و غلبه سیاستهای پوپولیستی در این حزب تغییر سیاست و نگرش نسبت به این جنبش و جریانات متعدد آن است. راهی دوری نباید رفت. نیرویی که جناح اصلاح طلب حکومتی را بخاطر "مبارزاتشان علیه خامنه ای و احمدی نژاد" ملقب به مدال "همراه مردم" و "در کنار ما مردم" میکند، بدون تردید در قبال جنبشی که در این سه دهه سهمی در جنایت رژیم اسلامی نداشته است بلکه حتی تاریخ معینی در جنبش خویش در مبارزه علیه جناح حاکم و حتی کل رژیم اسلامی داشته است، نمیتواند سیاستی متفاوتی در قبال این جریانات اتخاذ کند. این سیاست پوپولیستی ناچار است که مدالهای "افتخار" رنگین تری به این جنبش ارتجاعی اهداء کند. آنها را نیز نیرویی "مردمی"، "همراه مردم" و "در کنار ما مردم" قرار دهد. کنار گذاشتن مواضع پایه ای کمونیسم کارگری در قبال این جنبش ارتجاعی و پرو غربی یکی دیگر از نتایج مخرب سیاست پوپولیستی حاکم بر این حزب است. این سیاست تا به آنجا پیش رفته است که اکنون سیاست اتحاد با "نیروهای سرنگونی طلب" از جمله جریانات راست پرو غربی و سلطنت طلبها به یک سیاست این جریان تبدیل شده است. سیاستی که یکی از کادرهای رهبری این جریان اینگونه آن را فورموله کرده است: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "حکومت مذهبی نمی خواهیم"، "مرگ بر روسیه" و غیره همگی فرم های متفاوتی از شعار سرنگونی رژیم اسلامی

هستند، این شعار متحد کننده است و تقریباً تمامی جریانات سرنگونی طلب چه راست پرو غربی و چه چپ کمونیست را متحد می کند. (تاکید از من است) این حزب در شرایطی که اردوهای متفاوت سرنگونی طلب، اردوهایی که به قطبها و جنبشهای متفاوت اجتماعی تعلق دارند، همگی به سقوط رژیم اسلامی بمثابة گامی در ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند و جدال میان افق و آلترناتیو و افق های متفاوت این جنبشها با پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم شدت گرفته است، بجای شدت بخشیدن به نقد سیاستهای این جریانات عملاً به دنبال روی از آنها و طرح شعارهای متحد کننده و همراهی با آنها بر آمده است. عمیقاً تاسف آور است.

۳- "حزب حکمتیست" و "حزب کمونیست کارگری" هر کدام گوشه ای از نگرش و سیاست توده ایستی را در برخورد به جامعه و حاکمیت بیان میکنند. سیاست "حزب حکمتیست" در ارزیابی از جوهر اعتراضات جاری و موقعیت جناح اصلاح طلب حکومتی در جامعه در تطابق غیر قابل انکاری با سیاست جریانات توده ایستی قرار دارد. اما سیاست "حزب کمونیست کارگری" در حمایت مشروط از این جناح در مقابله با جناح راست در تطابق با نگرش توده ایستی است. هر کدام از این احزاب در یک رکن سیاستشان با جریانات توده ایستی شریکند، و این آینده اجتناب ناپذیر چرخش به راست در این جریانات است. اتخاذ سیاستهای نیمه توده ایستی - نیمه پوپولیستی.

"حزب حکمتیست" با نفی مبارزات توده های مردم و قرار دادن تمامی این اعتراضات در جیب جناح اصلاح طلب حکومتی و جنبش ارتجاعی کنونی آنها، جنبش سبزه ها، عملاً خود را رو در روی

مبارزات مردم قرار داده است. آنها هم مانند این جریانات توده ایستی بر این باورند که مردم نه برای سرنگونی رژیم اسلامی و پایان دادن به سه دهه حاکمیت اسلامی بلکه برای گرفتن شمشیر خونین اسلام از دست جریانات حاکم و دادن آن به دست پسر عموها و برادران تنی آنها در جناح "خط امامی های" سابق و جریانات سازمان دهنده و رهبری کننده "سبزه ها" به میدان آمده اند! باور نکردنی است اما بیان واقعی موضع سیاسی این جریانات است. این جریان مانند تمام توده ایست ها مبارزات جاری در جامعه را که دارای سه جناح، جناح راست، جناح اصلاح طلب حکومتی، و جناح مردم است، به جدال دو جناح رژیم حاکم در جامعه تنزل داده است. کاری که تمامی جریانات توده ایستی و دوم خردادی سابق با هزار و یک عوامفریبی برای سالیان سال به آن مشغولند. در طرف دیگر خط حاکم بر "حزب کمونیست کارگری" با چرخش به راست و تعمیق در مواضع پوپولیستی خود عملاً یک جناح از رژیم اسلامی را، که به همان اندازه در تمامی تاریخ سه دهه جنایت رژیم اسلامی سپیم بوده است، "در کنار ما مردم" و در صف "مردم" قرار داده است. این سیاستها چنانچه صریح و همه جانبه مورد نقد نیروهای کمونیسم کارگری قرار نگیرد میتواند تأثیرات مخرب تری در خلع سلاح کردن مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم و تحقق آزادی و برابری و رفاه بیار آورد.

### سرنگونی رژیم اسلامی یا سرنگونی دولت احمدی نژاد؟

قرار دادن جناح اصلاح طلب حکومتی در "صف مردم" نمیتواند به تقلیل مبارزه علیه سرنگونی کلیت رژیم اسلامی منجر نشود. نتایج این سیاست مخرب تا همین جا بعضاً روشن شده است. خارج کردن برخی از سران رژیم اسلامی از جمله رفسنجانی، خاتمی و موسوی از

شاید در مقابله با ما استدلال کنند که مگر جدال جناحها را نمی بینید؟ مگر نمی بینید که یک جناح اساساً حاکم شده است؟ در پاسخ باید تأکید کرد که جدالهای جاری در جامعه ایران نه دو طرف بلکه سه طرف دارد. بعلاوه مستقل از اینکه جدال جناحهای رژیم اسلامی چه دینامیسمی به خود بگیرد، تلاش برای کسب هژمونی یا تلاش برای حذف جناحی، تقابلشان در هر شکلی کماکان بخشی از جدال جناحهای رژیم اسلامی حاکم است و نه هیچ چیز دیگر. بعلاوه تقلیل مبارزه علیه "رژیم" اسلامی به مبارزه علیه "دولت سرکار" یک سیاست تماماً توده ایستی است. این سیاست سابقه دیرینه ای در جنبش ملی اسلامی و در عین حال صفحه ۱۱



مرکز مطالعات کمونیسم کارگری

Web Address: <http://markazmkk.blogfa.com>  
E-MAIL: [worker.communism.studies@gmail.com](mailto:worker.communism.studies@gmail.com)



مرکز مطالعات کمونیسم کارگری برگزار میکند،

## انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟

نقش زنان در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی. جنبش آزادی زن و نظام آتی در ایران. خواست آزادی و برابر زن و مرد چه جایگاهی در جنبش انقلابی علیه رژیم اسلامی دارد و به چه مولفه هایی برجستگی می بخشد.

### جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ:

#### آذر ماجدی در شبکه پالتاک

تاریخ: یکشنبه 16 اوت 2009

زمان: ساعت 8 شب بوقت اروپای مرکزی، 10 و نیم شب به وقت تهران، 2 بعد از ظهر بوقت تورنتو و 11 صبح بوقت لس آنجلس.

و بطور هم زمان در یاهو مسنجر

[Markazmkk@yahoo.com](mailto:Markazmkk@yahoo.com)

[worker.communism.studies@gmail.com](mailto:worker.communism.studies@gmail.com)

[/http://markazmkk.blogfa.com](http://http://markazmkk.blogfa.com)

## پس از سه دهه جنایت:

"در کنار مردم"، "همراه ما مردم" ...

از این جریان میخواد که "به جای حمله نظامی به ایران" از "مبارزات مردم" دفاع کند. زمانیکه رهبری این جریان در جنگ و حمله نظامی احتمالی به دنبال "فرصت ها" میگردد. زمانیکه در جنگ ارتجاعی و خونین اسرائیل در غزه در شرایطی که بیش از هزار تن کودک و فرد غیر نظامی به خاک و خون کشیده میشوند، رهبری این جریان به جدال با "اومانیسم" و انسانگرایی در حزبشان بر میخیزد. زمانیکه اعضای رهبری این جریان نامه سرگشاده گله آمیز به اوباما می نویسند، ... ما در تمامی این سیاستها پروژات متعدد یک سیاست و گرایش پوپولیستی و چرخش به راست را مشاهده میکنیم.

### در خاتمه

نقد ما به سیاستهای این جریان در عین حال تلاشی برای جلوگیری بیشتر از چرخش به راست در سیاستهای این حزب است. سرنوشت این حزب برای ما مهم است. هر درجه اتخاذ سیاستهای راست در این حزب ضربه ای به چپ و با چند حلقه فاصله ضربه ای به ماست. از طرف دیگر این جریان تا زمانیکه نام "حزب کمونیست کارگری" را با خود حمل میکند، از نظر برخی از کسانی که در بر آمد سیاسی جامعه برای اولین بار با کمونیسم کارگری آشنا میشوند، بعضا و علیرغم تلاش و خواست ما این نقطه نظرات را به پای جنبش ما و خط کمونیستی منصور حکمت می نویسند. از این رو ما در عین نقد صریح و روشن امیدواریم که نیرویی در این حزب بتواند در عین حال سدی در مقابل این سیاستهای راست پوپولیستی ایجاد کند. شاید جای خوشبینی زیادی نباشد، اما نباید اجازه داد خط پوپولیستی حاکم بر این حزب تمامی سنگ بنای سیاستهای کمونیسم کارگری را در این حزب پایین بکشد. \*

تاریخ معینی در حزب کمونیست کارگری دارد. اگر در زمان عروج خاتمی و جنبش ارتجاعی دوم خرداد ما شاهد شکل گیری یک جریان "دوم خردادی" در حزب بودیم که نهایتا بخشی از کادرهای این حزب را با خود برد، در زمان عروج احمدی نژاد در حاکمیت اسلامی ما شاهد تلاشی بودیم که میکوشید مبارزه علیه رژیم اسلامی را تحت لوای "تیز کردن" سیاستها و شعارهای خود به مبارزه علیه جناح راست و دولت احمدی نژاد محدود کند. حمید تقوایی و مصطفی صابر در قطعنامه ای که به هیات رهبری وقت حزب ارائه دادند خواستار آن بودند که حزب شعار "سرنگونی دولت احمدی نژاد" را اتخاذ و در دستور تبلیغاتی خود قرار دهد. این سیاست در آن زمان توسط ما و بخشی از همین رهبری بعنوان یک سیاست توده ایستی و راست نقد و به کناری زده شد. اما اکنون رسما و بی پروا همین سیاست در دستور این حزب قرار داده شده است.

### گوشه هایی دیگر از تاریخ چرخش به راست

اتخاذ این سیاستها محصول یک تاریخ سیاسی معین است. اتفاقی یک شبه نیست. ناشی از کج فهمی، اشتباه تاکتیکی در سیاست و یا عدم شناخت از یک جناح رژیم آدمکشان جمهوری اسلامی نیست. برعکس محصول طبیعی علیه یک گرایش پوپولیستی بر حزبی است که تاریخ درخشانی در مبارزه علیه کلیت رژیم اسلامی و برای آزادی، برابری، حکومت کارگری و یک جامعه آزاد کمونیستی داشته است. اشاره مختصر به فرازهایی از این تغییر و تحول گویای اثرات مخرب این چرخش سیاسی است.

زمانیکه رهبری این حزب در شرایطی که خطر حمله نظامی به ایران در دوران ننوکانسرواتیوها در آمریکا شدت گرفته بود در پیام خود



12/02/02 17:09

## صحنه های پیش رو (۱)

سعید مدانلو



"انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه است" روی حساب این مطالبه موجود گفته شد. یگانگی منافع بلافصل طبقه کارگر با مطالبات زنان که دارد دست به خانمان فقه و همه بساط اسلام میبرد، دیگر درخشان است. آثار منصور حکمت این روزها خوشبختانه به همت رفقا از هر جهت بیشتر در دسترس است. نگاه کردن به چشم واقعیت - مفاهیم سیاسی برای درک و دریافت بهتر و توانایی در تغییر آن به وضعیت مطلوب، کمک ارزشمندی است که مطالعه آثار منصور حکمت به انسان میکند.

یازدهم آگست ۲۰۰۹

\* قانون مدنی بابل در دوهزار و پانصد سال پیش و پیش از آن در واقع قوانین فقهی کاهنان مردوکی بود و عمده ترین احکام

آن مربوط به شرایط و قوانین بازار خرید و فروش دائم، مدت دار و موقت زن و همچنین تعیین سهم معبد و کاهنین از معامله که موفق ترین بیزینس بابل و بساطش دور تمام معابد با سر و صدا پهن بود. به درجاتی عیان تر از وضعی که دور و بر حرم امام ها و امامزاده های مملکت ایران وجود دارد. فقه شیعه اقتباس وفادارانه ای از قوانین مدنی بابل است. برنامه هایی نظیر "ازدواج موقت" و "خانه های عفاف" در حقیقت از "طرحهای مدرن" جمهوری اسلامی برای تمام بابلی کردن مملکت است.

جنبشی که هم اکنون در ایران است هنوز در تب و تاب این قضیه که هرچه زودتر بتواند بگوید "مرگ بر جمهوری اسلامی" دارد می سوزد. شعار محوری "جنبش سبز" این است: "نگو، مرگ بر جمهوری اسلامی". وجه تمایز باطنی "جنبش سبز" و جنبش مردم آشکاراً از همین جا پیداست. هر دو طرف ناگزیرند هر روز بیشتر باطنشان را رو کنند. وقتی باطنها رو میشود آنوقت معلوم میشود کی با کیست.

بخش عظیمی از قدرت و سیاست سرمایه و بویژه سرمایه غرب و آمریکا بر این شده است که یک دوره دیگر به جمهوری اسلامی شانس اظهار وجود بدهند. شاید به نحو دلخواه آنها تغییری کرد. سقوط جمهوری اسلامی با دخالت مستقیم توده مردم به هیچ عنوان برای غرب و آمریکا خوشایند نیست. در بیشتر دخالت کردنیهای مردم، تداوم و تعمیق رادیکالیسم تعرض مستقیمشان به حکومت، اتفاق بد و ناگوار برای نظم سرمایه داری میتواند بیافتد. حواسشان جمع است. ولی هر اتفاقی میتواند "مرگ بر جمهوری اسلامی" را در ایران یک شعار محوری کند. کمونیستها مدعی و گوینده قدیمی این شعار اند. بقیه سیاستهای منتظرالوقت اپوزیسیون راست فعلاً باید پشت سیاست مسلط دولتهای غربی برای مدتی چمباتمه بزنند. در وضعیت کنونی و اجبار سرمایه غرب برای کنار آمدن با جمهوری اسلامی - چند قدم فاصله دار با "مرگ بر جمهوری اسلامی"، موقعیت مناسبتری برای چپ جامعه و کمونیستها بطور اخص ایجاد کرده است. معادل "مرگ بر جمهوری اسلامی" شعار "مرگ بر حکومت مذهبی" است که کل اردوی راست در مقابل آن خلع

لغو تقدس تمام شئون مذهبی تنها از طبقه کارگر بدون نیاز به مذهب و رنج کشیده و در افتاده با سرمایه اسلامی ایران ساخته است. این همان چیزی است که جنبش آزادی و خلاصی فرهنگی زن در مملکت در طلبش می سوزد. رهایی تمام و کمال از قیودات مذهب آرزوی دیرینه زن در طول تاریخ مذهب است که تمام قیودات پاتریارکی و طبقاتی را به وسیله همین مذهب به زندگیش روا داشته اند. در ایران این آرزو به یک خواست و مطالبه اجتماعی قوی و روزمره تبدیل شده است. در تاریخ مذاهب این از موارد بی سابقه است\*.

### آدرس تماس با مسئولین

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی) [Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی

(علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com) [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رضمانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی) [AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

[x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

### به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank – N. America Routing  
Number : 121 000 248

Account Number: 36 48 46 88 52

## اطلاعیه اعلام موجودیت

## شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم

## آئین نامه

## شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکھلم

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در استکھلم دربرگیرنده احزاب سیاسی، سازمانها، نهادهای زنان، و فعالین مستقل چپ و کمونیست است.

## اصول شورا

1. یک مشخصه اساسی شورا سرنگونی طلبی و مخالفت با کلیت نظام جمهوری اسلامی است.
2. پرچم سرخ کارگری معرفه اساسی دیگر این قطب در مقابل کلیه گرایشات سرمایه داری از جمله سبز و شیر و خورشیدی است.
3. شورا وظیفه خود را تقویت مبارزات آزادیخواهانه و سوسیالیستی و آلترناتیو کارگری برای آینده ایران میداند.
4. در اجتماعات شورا بالای سن سخنرانی بطور قطع شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و پرچم سرخ، بعنوان متمایز کننده و معرف شورا بعنوان یک قطب چپ، قرار میگیرد.
5. در اجتماعات شورا هر جریانی محق است با نام حزب و نهاد و سازمان اش سخنرانی کند، پرچمهای حزبی خود را داشته باشد، و در محل معینی قرار بگیرد.
6. هر جریان عضو شورا میتواند جداگانه اطلاعیه یا فراخوان خود را برای دعوت از مردم و شرکت در اجتماعات، و پس از آن، مستقل از اطلاعیه شورا، منتشر کند.

## شیوه کار شورا

- 1- شورا متکی به مجمع عمومی تشکیل دهندگان و اعضایش است. مجمع عمومی عالیترین ارگان تصمیم گیرنده شورا است.
- 2- جلسات مجمع عمومی شورا هر دو هفته یکبار برگزار میشود. مجمع عمومی، با توجه به مبرم بودن شرایط و تصمیم کمیته هماهنگی میتواند در فواصل کوتاهتر برگزار شود.
- 3- برای هر مجمع عمومی باید همه اعضا توسط کمیته هماهنگی ترجیحا کتبا مطلع شوند. اسناد و دستور جلسات پیشنهادی با فرصت کافی برای اعضا ارسال شود.
- 4- انتخابات در هر مجمع عمومی برگزار میشود. تمام منتخبین قابل عزل و انتخاب مجدد اند. یک انتخاب میتواند ابقا باشد اما اصل انتخابات و دخالت همه اعضا و جریانات را باید مستمرا حفظ کرد.
- 5- فعالیتهای شورا بصورت مستقل و براساس اصول مندرج در این آئین نامه پیش میرود. شورا با جریانات راست همکاری نمیکند. شورا بعنوان نهاد در تظاهراتی این جریانات شرکت نمیکند.

## عضویت در شورا

- 1- عضویت و کناره گیری از شورا داوطلبانه است. هر کسی با اصول حاکم بکار شورا موافق است، میتواند بصورت فردی یا جمعی، عضو شورا

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران یک نهاد غیر حزبی است که دربرگیرنده احزاب سیاسی، سازمانها، نهادهای زنان، و فعالین مستقل چپ و کمونیست است. هدف شورا شکل دادن به قطبی اجتماعی و چپ برای سازماندهی توده ای ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور است. شورا در قبال رویدادهای سیاسی ایران و آینده سیاسی آن بیطرف نیست، طرفدار "همه با هم" نیست، شورا آگاهانه جانبدار است. شورا بعنوان یک نهاد فرا حزبی ضد کلیت جمهوری اسلامی برای تقویت مبارزات سوسیالیستی و آلترناتیو کارگری در ایران تلاش میکند.

فعالیتهای شورا با اعلام موجودیت آن شروع نشده است. این نهاد در ماههای گذشته و دستکم قبل از مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی با نام "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران" فعالیت داشت. مجمع عمومی ستاد در تاریخ 6 اوت 2009 ضمن تصویب اصول و موازین حاکم به کار (سند ضمیمه) نام خود را تغییر داد.

فعالیتهای شورا، مضاف بر برپایی اجتماعات و میتینگها، در قالب پروژه ها پیش خواهد رفت. پروژه ها از برنامه های سیاسی و فرهنگی تا کمپینهای مختلف را در بر خواهد گرفت که توسط بخشهایی از اعضای شورا و همینطور نهادها و غیر اعضا همسو با سیاستهای کلی شورا پیش خواهد رفت. اساس کار شورا اتکا به مجمع عمومی و اراده و رای جمعی اعضای آن است. شورا برای ایجاد فضائی بشدت محترمانه و آزادمشانه، که بتوان خلاقیتها و تواناییهای مختلف را شکوفا کرد و در جهت تقویت مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در داخل و خارج بخدمت گرفت، تلاش میکند.

ما زنان و مردان آزادیخواه و بویژه جوانان را به صفوف شورا فرا میخوانیم. شورا مکانی برای بدست دادن ابتکارات و جلب نیرو برای تحقق آنست. ما فعالین سیاسی سوسیالیست و جریانات آزادیخواه در دیگر شهرهای سوئد و کشورهای دیگر را به اقدامات مشابه دعوت میکنیم. باید در مقابل قطبهای دست راستی، که با جمهوری اسلامی نوع دیگر و یا اختناق آریامهری و سرمایه داری در بسته بندگان جدید را به ما وعده میدهند، به یک قطب آزادیخواه و سرخ و سوسیالیست شکل داد و از آلترناتیو کارگری برای آینده ایران دفاع کرد.

۱۲ اوت ۲۰۰۹

"shora.com shoraii"  
<shoraye1@gmail.com>

## آئین نامه شورای حمایت از مبارزات آزادخواهانه مردم ایران - استکھلم ...

### پخش پیام حزب به طبقه کارگر در منطقه اسلام شهر

بنا به گزارش دریافتی، امروز چهارشنبه 21 / 05 / 1388 دو تیم از رفقای فعال حزب اتحاد کمونیسم کارگری، صد ها نسخه از پیام حزب به کارگران ایران را در مناطق مختلف اسلام شهر توزیع نمودند.

توزیع پیام حزب از جمله در مناطق؛ محمدیه، مهدیه، باغ فیض، و اطراف میدان میوه و تره بار صورت گرفت. در بسیاری از این مناطق توزیع علنی صورت گرفته که با استقبال مردم زحمتکش مواجه شده است.

حزب تلاش و ابتکار انقلابی همزمان کمونیست را ارج مینهد و به آنها خسته نباشید میگوید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۲ اوت ۲۰۰۹ - ۲۱ مرداد ۱۳۸۸

### جامعه آزاد کمونیستی

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان برمیدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها مینشیند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد.

هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

2- فراخوان به تشکیل جلسات مجمع عمومی.

3- پیگیری تصمیمات شورا و کمیته ها، و ایجاد هماهنگی در فعالیتهای آنها.

4- نمایندگان شورا در رسانه ها صرفاً منعکس کننده تصمیمات شورا هستند و نه نظریات شخصی. نماینده یا هر عضو شورا میتواند نظریات خود را در ظرفیت فردی بیان کند.

**کمیته تبلیغات:** وظیفه این کمیته تهیه و انتشار فراخوانها، اطلاعیه ها، سازماندهی توزیع آن، برپائی نمایشگاه عکس و میز کتاب، عکس و فیلمبرداری از برنامه های شورا، تهیه وبلاگ خبری، و تبلیغ و ترویج اهداف شورا است.

**کمیته تدارکات:** وظیفه این کمیته تدارک نیازهای برنامه های شورا است. تهیه باندرول و پلاکارد، پرچمهای سرخ، وسائل صوتی اجتماعات و نصب آن، حمل و نقل و ... است.

کمیته ارتباطات: وظیفه این کمیته ارتباط با احزاب و نهادهای سوندی پیشرو، بویژه اتحادیه های کارگری، گروه های هنری، سازمانهای زنان و غیره، جهت جلب همبستگی با مبارزات آزادخواهانه مردم ایران، و دعوت به مراسم و اجتماعات شورا جهت سخنرانی است.

شورا قطب سرخ ها، چپ ها، سوسیالیستها، کمونیستها و آزادیخواهان در مقابل جمهوری اسلامی و راستها است. این شورا متعلق به جریان خاصی نیست. متعلق به قطب چپ جامعه است.

به شورای حمایت از مبارزات  
آزادخواهانه مردم ایران بپیوندید!

مصوب مجمع عمومی

6 اوت 2009 باتفاق آرا

شود. مجمع عمومی ارگان تصمیم گیرنده در باره قبول یا رد عضویت متقاضیان است. مجمع عمومی موظف است بدلائل سیاسی و قانع کننده نظرش را در هر مورد بیان کند. هیچ فرد و نهادی راسا کسی را عضو شورا نمیکند. پیش از دعوت افراد به جلسه، مجمع عمومی پیشنهاد و تقاضای عضویت را بررسی میکند.

2- فعالیت و قبول مسئولیت در شورا داوطلبانه است. در عین حال قبول هر مسئولیتی همراه با پاسخگویی لازم به مجمع عمومی است.

#### ارگانهای شورا

شورا تقسیم کار درونی خود را بصورت کمیته ها و پروژه ها پیش میبرد. کمیته ها منتخب مجمع عمومی و روتین هستند. پروژه اما امری موردی است. پروژه در چهارچوب سیاستهای شورا توسط بخشی از اعضا و غیر اعضا پیش میرود.

کمیته های هماهنگی، تبلیغات، تدارکات، ارتباطات، از جمله کمیته های شورا هستند. مجمع عمومی بنا به نیاز میتواند کمیته ای را ایجاد و یا کمیته ای را تغییر دهد.

#### وظایف و اختیارات کمیته ها

چهارچوب اساسی وظایف و اختیارات کمیته ها توسط مجمع عمومی تعیین یا تصویب میشود. ارائه هر پلتفرمی برای فعالیت کمیته ها از جانب اعضای شورا در مجمع عمومی باید تصویب شود.

کمیته هماهنگی: این کمیته شامل دو عضو از هر کمیته موجود در شورا است. وظایف این کمیته عبارت است از:

1- نمایندگی از جانب شورا در رسانه ها و جامعه.



## قطب سرخ ها در مقابل قطب سبز و شیر و خورشیدی

مروری بر یک تجربه در خارج کشور

سیاوش دانشور

به معرفه این قطب و یک وجه تمایز عام آن تبدیل شد. سرنگونی طلبان و مخالفین پایدار جمهوری اسلامی با پرچم سرخ کارگران در مقابل جنبشهای دست راستی بصف شدند. فعالیت شان را متکی بر مجمع عمومی و مشارکت جمعی کردند و در مقابل توهمات ارتجاعی جریانات طرفدار یک جناح رژیم و طرفداران پنتاگون صف متمایزی را شکل دادند.

ستاد بدنبال تظاهراتهای هر روزه و تشدید سرکوب در ایران تظاهراتی را در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم فراخوان داد که میزان استقبال وسیع از آن ضرورت یک اقدام فراتر را در اذهان عمومی تاکید میکرد. در اینروز مخالفین عصبانی قتل و کشتار مردم در ایران بدنبال پرووکاسیون سفارتیها به لانه جاسوسی رژیم تعرض کردند. درب ورودی را شکستند و به داخل سفارتخانه رفتند. اوباش سفارتی با چماق و کارد و اسلحه به تقابل برخاستند و معترضین از زن ۷۰ ساله تا جوانان ۱۶ ساله در این تقابل آنها را سرجایشان نشانند. این خبر با سرعت و انفجاری در داخل و خارج کشور منتشر شد و بیش از ۱۲۰ خبرگزاری از جمله رسانه های رژیم اسلامی آن را منعکس کردند. در یک کلام استکهلم و صف نیروهای رادیکال و سرنگونی طلب آن الگو و خطوط یک مبارزه واقعی علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور را ترسیم کرد.

ستاد در ادامه فعالیتهای خود در مجمع عمومی روز ۶ اوت ۲۰۰۹ نام خود را به "شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران-استکهلم" تغییر داد. این مجمع عمومی همینطور آئین نامه ای را به

جمهوری اسلامی به گوتنبرگ و بعد مالمو سوئد و تورنتوی کانادا از اولین اقدامات جمهوری اسلامی بود. این اقدامات بطور مفتضحانه ای شکست خوردند. قرار بود این اقدامات تنور مضحکه انتخابات در خارج کشور را گرم کند. روز نمایش انتخابات نیز همین سرنوشت را پیدا کرد. این فعالیتها قبل از نمایش انتخابات در استکهلم توسط ستادی موقت و متشکل از نیروهای سرنگونی طلب پیش رفت. بدنبال اقتضاح انتصابات رژیم و رویدادهای متعاقب آن که مردم بدرستی از فرصت بدست آمده استفاده کردند، این نهاد موقت تلاش کرد که شکل پایدارتری بخود بدهد و نام خود را "ستاد حمایت از مبارزات مردم ایران" گذاشت. این ستاد دربرگیرنده احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و کمونیست، نهادهای زنان، و فعالین مستقل چپ و کمونیست بود. احزاب چپی که عضو ستاد نبودند در یک هماهنگی مشروط در تظاهراتها و اعتراضها با ستاد قرار داشتند و در بیشتر تظاهراتهای شهر استکهلم این هماهنگی کمابیش وجود داشت.

### تشکیل شورا، اهداف و سیاستها

وضعیت ایران و تشدید قطب بندی سیاسی در اپوزیسیون مسئله شکل دادن به یک نهاد پایدار و متکی به اصول و مبانی حداقلی را الزامی میکرد. اولین اقدام ستاد برافراشتن پرچم سرخ در مقابل پرچم قطبهای دیگر بود. پرچم سرخ بعنوان پرچم تاریخی جنبش طبقه کارگر و سوسیالیسم معرفه ای بود که آینده متفاوتی را برخلاف آینده اسلامی و ناسیونالیستی جریانات دیگر اپوزیسیون به جامعه ارائه میداد. بسرعت پرچم سرخ، آرم و نشانهای سرخ، و دستبند سرخ

ایران بود. این جریان بتدریج جای خود را پیدا کرد و امروز عمدتا در ائتلافی با سبز در خارج کشور فعالیت میکند. گرایشهای ناسیونالیستی و قوم پرست در اپوزیسیون نیز کمابیش در همین صف قرار دارند. جهتگیریها و سیاستهای بنیادی سبزها اساس سیاست و تحلیل شان از روند اوضاع در ایران است و قبل از نمایش انتخابات رژیم به استقبال کروی و موسوی رفته بودند.

در مقابل این دو طیف، که گاه در مقابل هم و عمدتا در کنار هم ظاهر شدند، طیف دیگر اپوزیسیون سرنگونی طلب و اردوی چپ قرار دارد. سابقه این طیف در مخالفت و مقابله با جمهوری اسلامی و حضورش در خارج کشور، و گسترش فعالیت آن بویژه از دوره دو خرداد به بعد، یک شاخص سیاسی و یک تفاوت در اردوهای اپوزیسیون ایران است. اساس هدف جریانات سرنگونی طلب و کمونیست و سوسیالیست ممانعت از حضور علنی جمهوری اسلامی و نمایندگانش در خارج کشور، برچیدن سفارتخانه ها و مراکز شبه فرهنگی جمهوری اسلامی، و بیرون راندنش از خارج کشور بود. طیف سرنگونی طلب و اساسا چپها و سوسیالیستها نیز در این سالها کمابیش در مقابل جمهوری اسلامی متحد ظاهر شدند.

### سابقه موضوع در دوره اخیر

بعد از دوره ای رخوت در اپوزیسیون و کاهش فعالیتهای آن بویژه علیه جمهوری اسلامی، در ماههای قبل از مضحکه انتخابات رژیم تلاش کرد فضا را در خارج کشور عوض کند. جمهوری اسلامی از سوئد شروع کرد که تاریخا در آن بازنده بوده و بویژه هیچوقت نتوانسته است در استکهلم بصورت علنی کاری را پیش ببرد. اعزام "هیئت های کنسولی" سفارت

اوضاع سیاسی ایران بسرعت چهارچوبهای رایج فعالیت در خارج کشور را تحت تاثیر قرار داد و ضرورت برپائی صف بندیهای جدیدی را تاکید کرد. تلاش برای ایجاد ائتلافها و اتحادها در خارج کشور جدید نیست و در میان طیفهای مختلف در اپوزیسیون ایران وسیعا وجود داشته است. نکته ای که شاید همه روی آن کمابیش توافق دارند این است که تجارب تاکنونی به نتیجه دلخواه و اهداف اعلام شده آن نرسیده است و بناگزر بعد از مدتی در متن تناقضات آن فروپاشیده است. اما تغییر شرایط سیاسی در ایران و به میدان آمدن میلیونی مردم، که دنیا و افکار عمومی را در ابعاد وسیعی متوجه ایران و سرنوشت سیاسی آن کرده است، به موضوع ایجاد صفتبندیهای جدید اهمیت اساسی تری داده است.

در دوره اخیر بار دیگر جنبش ملی اسلامی و جریانات متفرقه آن پشت مضحکه انتخابات رژیم بخط شدند. دولتها و رسانه ها و انواع نهادهای نیمه دولتی و حقوق بشری پشت همین جریان رفتند. هدف اینبود و هست که "جنبش سبز" با تمام متعلقات سیاسی و فکریش بعنوان پرچمدار تحولات در ایران معرفه شود. هدف اینست که اعتراض مردم در ایران علیه حکومت اسلامی در چهارچوب جمهوری اسلامی و جناحی از آن قالب زده شود. جناح دیگر اپوزیسیون راست یعنی ناسیونالیسم پروغربی به شمول سلطنت طلبان، که در این روند گنج میزدند و خط روشنی نداشتند، گاهی در کنار سرنگونی طلبان و گاهی در کنار سبزها به جست و خیز مشغول بودند. پلانقرم این جریان برافراشتن پرچم سه رنگ، تاکید بر تمامیت ارضی، و سرود فاشیستی ای

## قطب سرخ ها در مقابل قطب سبز و شیر و خورشیدی...

اتفاق آرا تصویب کرد که در آن اصول شورا، شیوه کار آن، چگونگی عضویت در آن، و ارگانهای تشکیلات شورا ترسیم شده است. شورا نهادی فراحزبی است و این چشم انداز را در مقابل خود قرار داده است که ظرف متشکل کننده ایرانیان آزادیخواه خارج کشور علیه جمهوری اسلامی و اردوی رنگارنگ راستی باشد که تلاش دارند به انحاء مختلف خارج کشور را به پایگاه و پشت جبهه جمهوری اسلامی در داخل تبدیل کنند. شورا هدفش ائتلاف سیاسی و اتحاد تشکیلاتی سازمانهای چپ و نیروهای دربرگیرنده آن نیست. شورا ضمن برسمیت شناسی استقلال هر عضو و جریانش در تمام سطوح، و ضمن بدست دادن الگوهایی که عضویت در آن متضمن هیچ نوع محدودیت و مخرج مشترک سیاسی نیست، تلاش میکند به قطبی سرخ و چپ و سکولار و آزادیخواه در مقابل قطبهای راست طرفدار جمهوری اسلامی و سرمایه داری شکل دهد. شورا در جدال سیاسی ایران جانبدار است و در مقابل راه حلهای ارتجاعی اسلامی و سرمایه داری اپوزیسیون راست، خود را متعهد به تقویت مبارزات آزادیخواهانه و سوسیالیستی و آلترناتیو کارگری برای آینده جامعه ایران میداند.

پرچمهای حزبی و گروهی نیست. این شورا خود را به جمع کردن جریانات چپ و فعالین چپ محدود نکرده است و تلاش دارد تربیونی و ارگانی برای سازماندهی اعتراض توده ای ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور باشد. این شورا به الگویی چپ و اجتماعی فکر میکند نه الگویی ائتلافی از جریانات چپ. تردیدی نیست در کنار همکاری و بحث پیرامون مسائل مبارزاتی، نزدیکی و دوری فکری و سیاسی و سبک کاری نیز ممکن اند. اما این شورا تلاش دارد براساس اصول اعلام شده اش چه در سیاست و چه در شیوه کار بستری وسیع تر ایجاد کند که قادر باشد تمایلات واقعی و آزادیخواهانه مردم ایران و مشخص تر جنبش طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی را تقویت کند. شورا دنبال سیاست "همه با هم" نیست. زیر عنوان "برخورد غیر ایدئولوژیک نکردن" به جریان سبز و شیر و خورشید در ائتلافی اعلام نشده با آنها قرار نمیگیرد. اعضا و جریانات شورا این استقلال را دارند که راسا سیاست متفاوتی از شورا اتخاذ کنند اما خود شورا بعنوان یک نهاد چنین سیاستی ندارد و مسئول هر سیاست جریانات و اعضا دربرگیرنده اش نیست.

از نظر عملی شورا ظرفی است که تلاش دارد ابتکارات و خلاقیتهای مختلف در آن شکوفا شود. یک ستون کار و فعالیت شورا به پروژه ها متکی است. پروژه برخلاف ارگانهای تشکیلاتی شورا و فعالیتهای روئین آن موردی و کمپینی است. پروژه توسط بخشی از اعضای شورا و کسانی که عضو شورا نیستند اما هدف مشابهی را دنبال میکنند پیش میرود. تنها شرط سیاسی شورا اینست که یک پروژه با چهارچوبهای کلی سیاستهای شورا در تناقض نباشد. شورا تلاش دارد

ظرفی فعال و مبتکر برای نسل جدید باشد که اینروزها در خارج و داخل با حساسیت و فعالانه کار میکند. شورا تلاش میکند در کنار سازماندهی اعتراضات و متینگها و تقویت قطب سرخ ها که امروز با همین نام در شهر معروف است، مبتکر برگزاری سمینارها، شب های همبستگی، و فعالیتهای فرهنگی باشد.

از نظر روش کار شورا به مجمع عمومی اعضایش متکی است. مجمع عمومی بالاترین و عالیترین ارگان تصمیم گیری است. در مجامع عمومی هر سیاست شورا قابل بازبینی و تغییر و اصلاح اند. در مجامع عمومی شورا همه انتخاب شوندگان قابل عزل و انتخاب مجدداند. شورا ظرفی است که همه میتوانند در آن تلاش کنند، قانع کنند، داوطلبانه سهمی بعهده بگیرند، در مقابل وظایف شان به جمع متعهد باشند، در کار مورد علاقه شان شرکت کنند، منشا جذب نیرو و تحکیم و گسترش شورا باشند، و قطب سرخ و طرفدار آزادی و سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری را در ایران تقویت کنند.

هدف مرور کوتاه این تجربه این بود که خوانندگان نشریه با تلاشهای جریانات و افراد دربرگیرنده این شورا و فراتر تعداد زیادی که همواره در اجتماعات آن شرکت دارند آشنا

شوند. ضروری است این تجربه را در همه جا بسط و ارتقا داد. امروز ایجاد یک سنگر محکم و روشن سرنگونی طلب با پرچم سرخ که به آینده سوسیالیستی و قدرت کارگری نظر دارد، از مهمترین وظایف اردوی چپ جامعه در خارج کشور است. اکثریت ایرانیان خارج کشور تمایلات قوی آزادیخواهانه، سکولاریستی، ضد تبعیض و مخالفت با جمهوری اسلامی دارند. این اکثریت همیشه فعال نیست اما در ایندوره مشخص در ابعاد توده ای با سیاست "آشتی" کرده است. جریان ارتجاعی سبز و شیر و خورشید و امثالهم تلاش دارند این نیرو را که هر روز با نگرانی و حساسیت اوضاع ایران را دنبال میکند و میخواهد کاری بکند، زیر پرچمهای قلبی بخت کنند. چپ نباید این مردم را چکی نیروی آنها قلمداد کند. این اشتباه مهلک سیاسی است. اما مادام که آلترناتیو دلچسپ و مدرن و آزادیخواهی وجود ندارد، مردم معترض جای دیگر میروند. شورا میتواند با اتکا به الگوی سازماندهی توده ای و اجتماعی و روشهای مدرن براین مسئله روز فائق آید و در آن نیروهای پیشرو و سوسیالیست نقش شایسته خود را ایفا کنند.

همه جا شوراها را برپا کنید! همه جا پرچم سرخ کارگری را برافرازید! همه جا تربیون اعتراض به جمهوری اسلامی و پرچمدار آینده آزاد و خوشبخت سوسیالیستی شوید! \*

*امروز ایجاد یک سنگر محکم و روشن سرنگونی طلب با پرچم سرخ که به آینده سوسیالیستی و قدرت کارگری نظر دارد، از مهمترین وظایف اردوی چپ جامعه در خارج کشور است. اکثریت ایرانیان خارج کشور تمایلات قوی آزادیخواهانه، سکولاریستی، ضد تبعیض و مخالفت با جمهوری اسلامی دارند.*

*همه جا شوراها را برپا کنید! همه جا پرچم سرخ کارگری را برافرازید! همه جا تربیون اعتراض به جمهوری اسلامی و پرچمدار آینده آزاد و خوشبخت سوسیالیستی شوید!*





ما باید منافع واقعی و شعارها و سیاست‌هایی را که تحت پوشش این بحث و این عبارت دارد طرح میشود به مردم بشناسانیم. مساله رژیم اسلامی آری یا نه، نقش خاتمی و امکان یا عدم امکان تغییر رژیم ایران از داخل، نظام سیاسی مورد خواست مردم، اینها همه بحثهای جاری و مهم در جامعه ایران هستند. اما بحث جامعه مدنی، قالبی است که یکی از مدعیان قدرت، یعنی جناح معتدل تر خود حاکمیت، میخواهد به این جدلها بزند. چاله ای است که دارند سر راه مبارزه برای آزادی در ایران میکنند. بحث جامعه مدنی نه فقط در مقابل ولایت فقیه، بلکه در برابر خواستهای رادیکال تر و صریح تر و ملموس تر مردم علم شده است: خواست آزادی، رفع تبعیض، دولت غیر مذهبی، رفاه، برابری زن و مرد، تضمین حقوق فردی و مدنی، تعقیب عاملان دو دهه جنایت اسلامی، خواست سکولاریسم، مدرنیسم، سوسیالیسم. بگذارید باز هم تکرار کنم که بنظر من کسانی که مباحث مجلات مجاز داخل را با پروبلماتیک های واقعی جامعه اشتباه میگیرند، کسانی که شخصیتها و نیروهای اپوزیسیون مجاز را با نیروهای

## در مورد جامعه مدنی

مصاحبه با ایسکرا

روشنی در جنگ قدرت دارد.

جامعه مدنی پرچم جناح مقابل ولایت فقیه است. اینکه خود این عبارت "جامعه مدنی" تاریخا به چه معانی ای بکار رفته است، در چه دوران و تحت چه شرایطی در تاریخ تفکر سیاسی در غرب ظهور کرده و مثلاً جان لاک و مارکس و هگل چه برداشتی از آن داشته اند به بحث امروز در ایران کاملاً بیربط است. ناراضیان سیاسی در داخل خود حکومت، آخوندی که ریاست جمهوری رژیم را بعهده گرفته و طیفهای پیرامونی رژیم که از فعال مایشائی جناح حاکم ناخشنودند و آن را برای عاقبت رژیم اسلامی خطرناک میدانند از مجرای این عبارت دارند شعار احتیاط و تعدیل را مطرح میکنند و جنگشان را با جناح مقابل پیش میبرند. همه مردم خاصیت این عبارت و منشاء آن را میدانند. اما، کار یک عده هم این است که به این جدل سیاسی رنگ یک تقابل تاریخی، معنوی و نظری مقدس بزنند. وظیفه و نقش اجتماعی روشنفکر طبقه حاکم همیشه این است که برای خواست و عمل سیاسی زمینی و قابل فهم سیاستمداران خود روایتی ژرف اندیشانه بنماید و به این شیوه هم برای منافع طبقه خود مشروعیت و مقبولیت اجتماعی ایجاد کند و هم توده مردم کارگر و زحمتکش را از فهم روشن و دخالت مستقیم در این جدلها دور نگاه دارد. توضیح حرکات آسید محمد خاتمی و حاج آقا بهزاد نبوی، و تفسیر محاکمه کرباسچی و عزل نوری و دگراندیشی نویافته سروش و بازنشستگی لاجوردی، نیازی به مرور نظرات هابس و هگل و مارکس در مورد جامعه مدنی ندارد. ما باید در بحث جامعه مدنی دخالت کنیم. همانطور که باید در بحث ولایت فقیه دخالت کنیم. دخالت، نه شرکت.

ایسکرا: بدنبال انتخاب خاتمی، اصطلاح "جامعه مدنی" در ادبیات رسانه های رژیمی و اپوزیسیون پرو-رژیم در داخل و خارج کشور به یک تکیه کلام و ترجیح بند پرمصرف تبدیل شده است. مصرف گسترده این مقوله در این دوره چه دلیلی دارد و با توجه به اینکه عبارت "جامعه مدنی" گاهی در ادبیات کمونیسم کارگری هم بکار میرود، فرق بحث حزب با بحثهای جاری در این زمینه چیست؟

**منصور حکمت:** حزب، بعنوان حزب، بحثی در باره "جامعه مدنی" ندارد. تصور نمیکنم اگر رفقائی هم در مقالاتشان این عبارت را بکار برده باشند در متن پروبلماتیک جاری اپوزیسیون مجاز ایران حرف زده باشند. عبارت جامعه مدنی در مباحثات امروز رژیم و اپوزیسیون خاتمی چی در داخل و خارج ایران، اسم رمز و علامت اختصاری ای است برای خواست مشروط شدن حاکمیت اسلامی و برسمیت شناسی نوعی حقوق فردی و مدنی برای اهالی و ایجاد یک قاب شبه قانونی برای رابطه رژیم با مردم. این عبارت از درون ناراضیان خود رژیم ظهور کرد و توسط خاتمی و امیدواران پیرامونی اش در خارج دولت، رواج یافت. به این ترتیب بحث جامعه مدنی به تم ثابتی در روزنامه ها و در میان مفسرین مجاز داخل کشور تبدیل شد و اکنون به طیف های وسیعتری در اپوزیسیون سرایت کرده است. آنها که داخل رژیمند معنی و کاربست این عبارت را خوب میدانند و در همان چهارچوب تقابل جناحها و مساله بقاء رژیم به آن میپردازند. برای آنها این عبارت، درست مانند مقولات "سازندگی"، "تساهل"، "مکتب یا تخصص"، "مرجعیت رهبر"، "انحصارگری" و غیره معنای

واقعی دخیل در سرنوشت این جامعه اشتباه میگیرند، کسانی که دنیای رسانه ها را جای دنیای واقعی قرار داده اند، از رویدادهای آتی ایران بشدت شوکه خواهند شد. در مسیر نبرد برای سرنگونی، کارگران و توده مردم از این شخصیتها و این فضا و این عبارات بسرعت عبور خواهند کرد. نمایانم چند نفر در روسیه هنوز عبارات گلاسنوست و پروسترویکا یادشان است. اینهم بحث "جامعه مدنی" آنها بود که در سیر عملی تاریخ روسیه بسرعت بی معنا شد. جدال در ایران بر سر آزادی و برابری است و آن نظام اجتماعی که میتواند تضمین کننده آن باشد. مساله به همین سادگی است.

ایسکرا شماره ۱۱

۹ شهریور ۱۳۷۷ - ۳۱ اوت ۱۹۹۸

**دنیا بدون فراخوان  
سوسیالیسم، بدون  
امید سوسیالیسم،  
بدون "خطر"  
سوسیالیسم، به چه  
منجلابی بدل میشود!**

## گزارش یک برگ از جنایت بر علیه یک نیروی اپوزیسیون

علی ظاهری

سالهاسست که ربطی به واقعیت ندارد. زنجیرهای مبارزه را همه جا می شود چسبید.

اما این طرف هم امثال توده ای ها و سلطنت طلب ها دست به حملات هیستریک می زنند. شایعه می کنند که دسته دسته نیروهای مجاهدین تسلیم می شوند. اینها دو امر را نمی فهمند اولاً مسئله اوضاع وخیم غیر انسانی را پشت دیوار کدورت و دعوی سیاسی خاک می کنند دوماً همان خطی را رو به اپوزیسیون می گیرند که مطلوب وزارت اطلاعات است. امروز که شما برای ملی اسلامی ها دم می جنبانید و دلخوشی هم از اپوزیسیون ندارید راستش انتظار داشتن پرنسپ سیاسی از فرقه های معامله گری چون توده ای و اکثریتی ها خیال واهی است. مسئله مجاهدین بیشتر ریشه عقیدتی دارد تا امثال شما که دنیا را از عینک بند و بست می بینید.

تنها خبر خوشایندی که در این زمینه به گوش رسید دخالت یونانی (سازمان ملل در عراق) و حائل شدن بین نیروهای مجاهدین و پلیس دیالی بود. طبق مدارک دولت امریکا بعد از خلع سلاح مجاهدین با تک تک اعضای مجاهدین قرارداد برای تحت الحفظ بودن را بسته است و یکی از شروط واگذاری امنیت اشرف به عراق از سوی امریکا قائل بودن به این مرانامه بوده است. اما دولت امریکا با دخالت نکردن و دولت مالکی با جنایتش رسماً در روز روشن قرارداد

جایی که قدرت دستشان هست یک نیروی اپوزیسیون این رژیم جلا را به شیوه ای بربر گونه به خاک می کشند.

در این جمله طبق آمار شورای ملی مقاومت 13 نفر کشته و 32 نفر ربهوده شده اند. 500 نفر به شدت زخمی شده اند. شورای امنیت ملی رژیم کثیف اسلامی اطلاعیه ای داد که اعضای مجاهدین خودکشی می کنند یا همدیگر را مورد تعرض قرار می دهند. پرونده ای درست کرده اند که گویا استخوان کوبتی های جنگ خلیج در شهر اشرف مدفون است. به اولین واکنش دولت کوبیت به این مساله دولت مالکی این شایعه را پس گرفت. اما یک طرف دور باطل این قضیه سیاست های سازمان مجاهدین در این زمینه هست. البته دستور سازمانی و شایعاتی از این قبیل فقط در جهت تخریب و ترور شخصیت این سازمان است. عده ای زیادی از ساکنین شهر اشرف شهروندان اروپایی هستند به فرض مثال حنیف امامی شهروند سوئد بود. اما اینکه سیاست جنگ چریکی و دور زدن جامعه از بالا به جایی نمی رسد بارها به مجاهدین این امر را ثابت کرده است. مجاهدین اقامه دلیل می کنند که با یک بازوی سیاسی در عراق خار چشم رژیم اسلامی هستند. اما این امر را نمی پذیرند بیش از آنچه که دستاورد سیاسی داشته باشند در این وسط ضرر کرده اند. هیچ سازمان سیاسی بدون اشتباهی در تاریخ وجود ندارد. اما سازمانی که از یک سوراخ در تاریخ چندبار گزیده شود جز نواذر است.

هفته گذشته شهرهای مختلف اروپا تظاهرات های متعددی در مقابل سفارت امریکا برای اعتراض به قتل عام اعضای سازمان مجاهدین در عراق برگزار شد. عده ی زیادی از شرکت کنندگان در تظاهرات را مادران و پدران و اعضای خانواده های مجاهدین در عراق بودند. جدا از هر دوری و نزدیکی سیاسی، کشته شدن انسان های بی دفاع انهم در شرایط سخت و اسفناکی که مجاهدین در عراق در آن به سر می برند دل هر انسانی را به درد می آورد. یکی از صحنه ها به شدت تکان دهنده بود فیلمی بود از اعضای مجاهد به اسم حنیف امامی که به زیر دست و پای مامورین پلیس استان دیالی عراق افتاده بود و با چوب سرپهنی به فرق سرش می کوفتند. به راستی اینهمه نفرت یک انسان بر علیه هم نوع خودش از چه سرچشمه می گیرد! این انسان بی دفاع بعد از 32 ضربه به علت ضربه مغزی در می گذرد. تازه در این میان سفارت های امریکا با آنهمه تبلیغ دموکراسی و لیبرالیسم نوع اوبامایی فقط یک اسم نویسی مختصر از خانواده های مجاهدین در عراق کردند. این حضراتی بودند که فریاد آزادیخواهی پوشالی شان دنیا را کر کرده بود. روز درگیری 800 تفنگدار ارتش امریکا در صحنه حاضر می شوند اما مداخله ای نمی کنند. گویا یکی از آمریکایی ها در جواب اعتراض می گوید اراده سیاسی بالاتری در کار است.

جدا از تمام اشتباهات سیاسی رهبری سازمان مجاهدین این حمله بیشتر یک کرنش به جمهوری اسلامی و دم تکان دادن دولت مالکی و در سطحی بالاتر اوباما به جمهوری اسلامی بود. حضرات شب و روز برای دستگیر شدگان و معترضان در ایران اشک تمساح می ریزند اما



ژنورا زیر پا گذاشته اند. مالکی و دولت انتلافی اش که تکلیفشان روشن است روز روشن چندین فروند تپلوف از جمهوری اسلامی کادو گرفته بودند و از 7 ماه پیش بعد از دیکته خامنه ای کمر به قتل عام مجاهدین بسته اند. یک مقایسه در زمان صدامی که الگوی دیکتاتور دنیا بود این همه جنایت بر اپوزیسیون ایران روا نشد. حکومت دست نشانده مالکی صدها برابر هارتر است.

اما نباید اجازه داد قبل از سقوط جمهوری اسلامی خون عده دیگری به جرم مخالفت با این رژیم ریخته شود. باید سیاست های پشت این قضیه را به دوری از هر تنشی زیر نقد برد. مسلماً بعد از سقوط حکومت اسلامی جان تمام اپوزیسیون حفظ خواهد شد. ولی تا این آینده نزدیک نباید اجازه هاری بیشتر به رژیم اسلامی ایران و حامیان بین المللی اش بدهیم. در آخر درود می فرستم به افسر عراقی با وجدانی که شرح این جنایت را در مطبوعات کانادا بازتاب داد و شخصاً پشت پرده این جنایت را رسوا کرد.\*

فسیلها و آدمکشانی که یک جامعه را به زور سرکوب گرو گرفته اند!

مرگ بر جمهوری اسلامی



FARS

Photo : Khamenei.ir

FARS NEWS AGENCY

## زحمتکشان قربانیان روزافزون رژیم اسلامی خود سوزی در شهرداری مریوان

با به اخبار فعالین حقوق بشر، یک شهروند اهل مریوان که کارش دست فروشی بود، بدنبال توقیف اتومبیل اش و نداشتن هزینه جریمه اقدام به سوزاندن خود در محل شهرداری مریوان کرد. این شهروند با وانت بارش مشغول فرودختن میوه بود که در روز دوشنبه ۱۹ مرداد ماه توسط کارمندان شهرداری مریوان همراه با وانت بارش توقیف میشود. وقتی که این فرد زحمتکش برای آزادی ماشینش به شهرداری مراجعه می‌کند، به او گفته می‌شود که در قبال آزادی ماشین خود، باید مبلغ ۵۰۰ هزار تومان جریمه پرداخت کند. او به ملاقات شهردار رفته و از او درخواست می‌کند که ماشینش را آزاد کند، توان پرداخت این هزینه را ندارد، در غیر اینصورت از روی ناچاری اقدام به خودسوزی خواهد کرد. شهردار شهر مریوان به درخواست وی پاسخ منفی می‌دهد و در لحنی تحریک کننده اعلام می‌کند "اگر جرات آن را داری خودسوزی کن!"

این زحمتکش که خود را در بن بست میبیند و توان تهیه نیم میلیون جریمه را ندارد، با تهیه یک گالن بنزین به ساختمان شهرداری رفته و در مقابل چشم شهردار و چند نفر از کارمندان اقدام به خودسوزی می‌کند. بدنبال این واقعه دلخراش بدن سوخته فرد مذکور را به بیمارستان شهر مریوان منتقل می‌کنند. نامبرده به دلیل شدت سوختگی به بیمارستان شهر سنجند اعزام می‌شود. بنا به خبر درصد زیادی از بدن این شهروند سوخته است. بنا به همین خبر دیروز تعدادی از کارمندان شهرداری در جهت محکومیت این اقدام ضد انسانی شهردار، دست به اعتصاب زدند و خواهان برکناری جعفر تلان شهردار مریوان شدند.

جمهوری اسلامی با فقر کشاندن کارگران، با اعمال فشار روزافزون به زحمتکشانی که برای تهیه نان شب شبانه روز دوندگی میکنند، با دستگیری و شکنجه و تجاوز دسته جمعی و قتل جوانان، با چرخاندن حزب الله و بسیج و پاسدار و اوپاش خیابانی، تنها گور خود را عمیق میکند. روزی که سیل میلیونی این زحمتکشان بنیادهای جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوب اش را در هم بکوبند دیر نیست.\*

## شیرین عبادی

### و جنایات رژیم اسلامی ...

فقط به دنبال شانس برای حفظ وضع موجود در اشکال "اصلاح" شده میگردند .

باز هم طنین کلام باب دیلون در آهنگش رشته افکارم را پاره میکند. مگر نشنیده اند، که احمدی نژاد وعده داده است که "سرشان را به طاق بکوبید"، خامنه ای خط و نشان کشیده است که قلع و قمع شان خواهد کرد. پس چرا اینگونه کودکانه سر در برف فرو کرده اند؟

واقعیت را فقط میتوان در ماهیت و جوهر وجودیشان جستجو کرد. اینها اپوزیسیون رژیم اسلامی نیستند. مصلحین حکومتی اند. موقعیت فعلی شان ناشی از "انحصار طلبی" جناح راست حاکمیت است. آماده به خدمتند اما اکنون در اثر داغ شدن زمین زیر پای حاکمیت اسلامی و تشدید جدال جناحها منتظر خدمت شده اند. در واقع باید گفت چندان هم کودن نیستند. مستاصل اند. آینده ای ندارند. با سرنگونی رژیم اسلامی از صحنه سیاست ایران حذف خواهند شد. بناچار تنها راه بقاء خود را در حفظ بنیادهای وضع موجود و رسیدن به بند و بسط با جناح حاکم می بینند. راهی که دیگر بر اثر خیزش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی تماما کور شده است. هیچ آخوند نجات بخشی در انتهای تونل نیست. دنیای واقعا بی رحمی است! \*

## آثار منصور حکمت را

### بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری میرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## یک دنیای بهتر

را بخوانید و تکثیر و توزیع کنید!  
سوالات و نظرات تان را با نشریه در  
میان بگذارید!

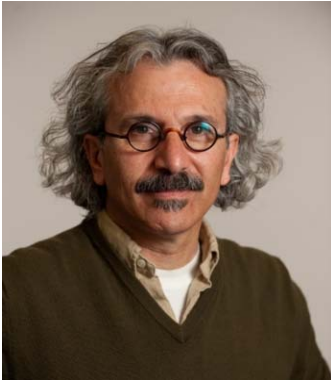
**مجمع عمومی** ظرف اعمال اراده توده ای و مستمر کارگران  
است! کارگران در مبارزات جاری به سنت مجمع عمومی  
متکی شوید! جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!



## ستون آخر،

## شیرین عبادی و جنایات رژیم اسلامی

علی جوادی



را در خارج سپری کرده اند دارای نگرش و سیاستهای کاملا مشابهی هستند .

"حتی در یک زندان، دولت به بازجویان اجازه شکنجه زندانیان را داده است". بدون تردید خود بازجویان و همقطاران ایشان به این اظهارات خواهند خندید. گنجی ها، حجاریان ها، سازگاره ها، ابراهیم نبوی ها و تمام کسانی که خود در سازماندهی و استقرار این ماشین آدمکشی سهیم بوده اند، قتل عامهای سالهای شصت و شصت و هفت را سازمان دادند، با پوزخندی در دل با این اراجیف مواجه خواهند شد و به ریاکاری همقطاران خود درود خواهند فرستاد. حتی در یک زندان، این نقطه تاکیدات همچنان در ذهن سنگینی میکند. آیا ایشان نمی دانند؟ آیا خواننده است؟ آیا نشنیده است؟ ... پاسخ مسلما در مشکلات معرفتی و شناختی این جماعت "اصلاح طلب" نیست .

مساله آزادی زندانیان سیاسی یک خواست مردم بپا خاسته است. هر روز خانواده های بازداشت شدگان در کنار بازداشتگاههای رژیم تجمع میکنند و خواستار آزادی عزیزانشان میشوند. شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" نه تنها در اعتراضات خیابانی بلکه حتی در مقابل مخوف ترین زندان و قلب دستگاه جنایت رژیم اسلامی یعنی اوین هم فریاد زده شده است. اما این جماعت نه گوش شنوا دارد و نه چشم بینا و نه مساله شان آزادی تمامی دستگیر شدگان و تمامی زندانیان سیاسی است. دعوایشان با رژیم بر سر دستگیر شدگان "پس از انتخابات" است. و آنها نه همه دستگیر شدگان این دوره بلکه آنها که در "تظاهرات مسالمت آمیز" دستگیر شده اند. آنها که اعضای برجسته جبهه مشارکت اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اند. و

نه آنها که خواهان سرنگونی رژیم اسلامی شده اند، نه آنها که در مقابل قمه کشی و تیر اندازی و نیروهای تا دندان مسلح با چوب و سنگ از خود دفاع کرده اند. نه، این خانم که جایزه "صلح نوبل" را هم دریافت کرده اند کاری به این دختران و پسران آزادیخواه و انقلابی ندارد. اینها "خشونت طلب اند"، "انقلابی اند"، در مقابل اوپاش سرکوبگر رژیم به دفاع از خود میپردازند. نه، اینها مستحق آزادی نیستند. جریشان محرز است. خواهان سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و نه اصلاح این هیولای سیاه هستند .

از قرار مطالبه برگزاری "دوباره انتخابات ریاست جمهوری تحت نظر سازمان ملل" اوج "رادیکالیسم" این جماعت است. نگاهی به احمدی نژاد میکنند. نگاهی به خامنه ای و یزدی و سایر سران جمهوری اسلامی شان میکنند، چاره را در تکرار انتخابات می یابند. انتخابات در شرایطی که هر انسان آزادیخواهی، هر کمونیست و سوسیالیستی، هر زن برابری طلبی، و حتی زنی که مجیز گوی خودشان باشد نه تنها حق کاندیدا شدن ندارد بلکه حق حیات هم ندارد. اما نه، این انتخابات زیر نظر "سازمان ملل" است. سازمان ملل از قرار کلام کلیدی و سحر آمیز در این تحول است. نگرانی شان از تقلب در "انتخابات" است. از قرار معضل چندانی با نفس قوانین و شرایط و سیستم حاکم بر این راه حل طلایی ندارند. صفحه ۱۹

زمان دیگری موکول کنم. توجیه جنایات رژیم اسلامی، حذف سه دهه جنایت از تاریخ این حکومت ضد انسانی و محدود کردن شکنجه و جنایت علیه مردم به اعتراضات پس از مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی و خیزش توده های مردم، بنظر مساله عاجل تری بود. ناخودآگاه کلام آهنگ باب دیلون، "دمیدن در باد"، در ذهنم زنده شد. چقدر رژیم اسلامی باید بکشد تا این جریانات اذعان کنند که رژیم اسلامی یک رژیم آدمکش و جنایتکار است؟ چقدر باید شکنجه و تجاوز کنند، چقدر باید بسوزانند و تیر بر قلبها و تیر خلاص بزنند که این جماعت بپذیرد که اقوامشان در حکومت مثنی جنایتکار تمام عیاراند؟ چقدر باید سنگسار و شکنجه کند تا این جریانات "متوجه" شوند که بنیان این بساط بر شکنجه و اعدام و تجاوز و سرکوب وحشیانه استوار شده است؟

ترند فکری ام به بهانه هایشان معطوف شد. این سخنان در ایران و در یک مصاحبه مطبوعاتی "قانونی" ذکر نشده است که شاید ملاحظات "امنیتی" و "ایمنی" مصاحبه شونده توجیه و یا بهتر بگویم بهانه ای برای طرح رقیق و کم رنگ شده انتقاداتی به رژیم اسلامی باشد. این سخنان در سؤال بیان شده است. هیچ توجیهی در پرده پوشی حقایق زندگی و کارنامه سیاه رژیم اسلامی وجود ندارد. بعلاوه بسیاری از این اصلاح طلبان که اکنون در خارج از کشور اقامت دارند، همین اند که هستند. همانند که بودند. عبور از مرزها و جغرافیای جامعه ایران تغییری در سیاست و نگرش آنها ایجاد نکرده و نخواهد کرد. هم جنس های آنها، توده ای ها و اکثریتی ها، و تمامی کسانی از این جنس که سالیان سال

سه شنبه صبح بوقت لس آنجلس زمانیکه طبق عادت این روزها مشغول ضبط وبلاگ ویدیویی روز خودم شدم میدانستم که موضوع برنامه ۱۰ دقیقه ای را به نقد سخنان شیرین عبادی اختصاص خواهم داد. شب پیش قبل از خواب نگاهی سراسری به سایتیهای خبری انداخته بودم و سخنانش در سنول توجه ام را جلب کرده بود. تصور میکردم که باید به بحثی در باره جایگاه و اهداف جنبشهای متفاوت اجتماعی و نقد تلاش دوباره جریانات اصلاح طلب حکومتی که این بار زیر پرچم سبز اما برای بازسازی و احیاء همان اهداف گرد آمده اند، بپردازم. همزمان با آماده کردن دستگاههای ضبط ویدئویی تصمیم گرفتم که متن سخنان ایشان را بمنظور ارائه بدون کم و کاست آن، از رو در برنامه بخوانم .

"شماری از زندانیان زیر شکنجه ماموران انتظامی در زندان جان باخته اند و حتی در یک زندان، دولت به بازجویان اجازه شکنجه زندانیان را داده است." مطالعه سراسری و در عین حال خواب آلود امکان مطالعه دقیق متن را نداده بود. به قرانت نقل قول ایشان ادامه دادم. "تمام کسانی که پس از انتخابات بازداشت شده اند، باید آزاد شوند." و در پایان اضافه کرده بود که "دوباره انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت سازمان ملل متحد در ایران برگزار شود." این عین سخنان شیرین عبادی است که در رادیو فردا نقل شده است .

در حین بیان این نظرات تصمیم گرفتم که بحث جایگاه و اهداف عمومی این جنبش ارتجاعی را به

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!